



پيام



دریچه‌ای گشوده بر جهان

شماره ۲۹۹، اسفند ۱۳۷۴، قیمت: ۸۰۰ ریال

منشأ نوشتار

از تصویرنگاری تا پین یین

زبانهای سرشار از رنگ

هنر فوشنویسی

فط ترکیبی ژاپنی

قدرت قلم

فضای سبز

عمان: اولویت محیط سبز





پيام



دریچه‌ای گشوده بر جهان

شماره ۲۹۹، اسفند ۱۳۷۴، قیمت: ۸۰۰ ریال

منشأ نوشتار

از تصویرنگاری تا پین یین
زبانهای سرشار از رنگ
هنر خوشنویسی
فصل ترکیبی ژاپنی
قدرت قلم

مجله تخصصی

عمان: اولویت محیط سبز



دو سال پس از «دعوت به همبستگی»

دو سال پیش در شماره ۲۷۳ خود، از خوانندگان مجله خواستیم تا در «دعوت به همبستگی» مشارکت کنند. هدف این بود تا به کسانی که علاقه‌مند به خواندن پیام هستند اما پول کافی برای مشترک شدن ندارند کمک شود.

- از آن زمان تا به حال بیش از ۲۰۵ نفر از شما (۵ نفر در تهران و ۲۰۰ نفر در دفتر مرکز پاریس)، کتابخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و افراد علاقه‌مند را مشترک پیام کرده‌اید. بعضی از شما می‌خواهید که برای سومین سال پیاپی به این کار ادامه دهید. ما در اینجا مراتب سپاسگزاری خود را از سخاوت شما ابراز می‌کنیم. در این صفحه قسمتیایی از نامه‌های خوانندگانی را نقل می‌کنیم که به لطف شما مجله پیام را دریافت کرده و مراتب قدردانی خود را ابراز کرده‌اند. شما با دیدن این نقل‌قول‌ها خواهید دید که این «دعوت به همبستگی» بسیار بالارزش بوده است.
- «جوانان ما می‌کوشند تا برداشت خود را از بسیاری از اصول بهبود بخشند و دریافت مجله پیام در این مورد فرصت مختلفی است. در اینجا یک دیکشنری معادل حقوق ماهانه یک کارمند است.» (خانم کالینا ماکیکا، سرپرست مرکز فرهنگی جوانان، هامبرگ، آلمان)
- «من از خواندن مجله پیام بسیار لذت می‌برم و آن را در اختیار دوستانم قرار می‌دهم. به یاد داشته باشید که ما در محیط روستایی خود در جهان سوم مواد خواندنی بسیار کم داریم.» (دنون، نتواری، روکوتیری، اوگاندا)
- «از اینکه موجب شده‌اید تا ما روزه‌های باشگاه خود را به‌سوی همه افقهای فرهنگی بشر باز کنیم، بسیار سپاسگزاریم.» (عبدل دیالو، مدیر باشگاه فرهنگ و توسعه، کوناکری، کینه)
- «من بیست ساله و دانشجو هستم. خواندن پیام افقهای مرا گسترش می‌دهد و به من امکان می‌دهد تا بینش عمیقی نسبت به دنیای پیرامون خود پیدا کنم.» (پاسکال موتابازی، دانشجوی اوگاندا)
- «بسیاری از مراجعان ما به این مجله رجوع می‌کنند و یک منبع اطلاعاتی ارزشمند برای همه است.» (ا. دیالو، متصدی کتابخانه عمومی زیکونیکور، سنگال)
- «دلم می‌خواهم که از طرف خوانندگان و اعضای کتابخانه تانابورا، از شما صمیمانه تشکر کنم. غذا و بهداشت از نیازهای حیاتی ما هستند، ولی ما به کتاب مجله و مطالبی نیز احتیاج داریم که بتواند دانش ما را عمیق‌تر و گسترده‌تر سازد. در تصمیم‌گیری به ما کمک کند، کوششهای ما را جهت دهد، و افقهای دیدمان را وسیع‌تر سازد.» مجله پیام ... به ما امکان می‌دهد که به فرهنگهای دیگری غیر از فرهنگ خود مراجعه کنیم و استانداردها و ارزشهای جهانی را ارتقا دهیم ... (آمانو زاکاتراوره، مسئول برنامه کتابخوانی عمومی، کتابخانه تانابورا، کتیه‌با، مالی)
- «دانشجویان، که بیشترین استفاده‌کنندگان از لطف شما هستند، در آینده اوگاندا نقشی اساسی بر عهده خواهند داشت.» (دکتر پیتز میلر، مؤسسه تربیت معلم، کامپالا، اوگاندا)
- «من نیز مثل بسیاری از همکارانم، متوجه شکاف موجود بین ولع جوانان شهرنشین برای اطلاعات و فرهنگ و عدم توانایی خود برای پر کردن این شکاف هستم. مجله شما می‌تواند برای تغذیه معنوی جوانان ما که بسیار از این بابت رنج می‌برند، بسیار مؤثر باشد.» (عبدل اچییی سالی، کتابخانه شهر کاروا، شمال، کامرون)
- «ما متکی به منابع خودمان هستیم، آن هم با کاری که بدون متن، اسناد یا هرگونه کارآموزی در خارج انجام می‌دهیم ... ما مصمم هستیم که بر جدایی خود از دنیای خارج غلبه کنیم.» (خانم راکتو مانگارا کولالو، رئیس اتحادیه معلمان فرانسه، فورت دوفین، ماداگاسکار)
- «متشکر از مجله شما که نقش رابط بین کشورها را بازی می‌کند.» (یک دانشجوی الجزایری)
- «دلم می‌خواهم به شما بگویم که پس از یک فاصله چندین ساله چقدر از دریافت دوباره مجله‌تان و دادن آن به کتابخانه بیمارستان هولکین، خوشحالم.» (دکتر کیرمو رامیرس، آریانو، هولکین، کوبا)
- «از مجله چگونه استفاده می‌کنم؟ ابتدا خانواده‌ام آن را می‌خوانند، سپس معلمان دیگر اداره‌مان. اما دانشجویانم (بین ۱۶ تا ۱۸ ساله) مشتریان پر و پاقرص آن هستند. ما درباره بعضی از موضوعهای مجله جلسات بحث و گفتگو برپا می‌کنیم. خوشحالم که دانشجویان در این طریق می‌توانند درباره دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بیشتر بیاموزند.» (الیاسار اسپینوزا خیمنس، خونیاخاس، کوبا)
- «دریافت پیام برای کسانی که نمی‌توانند آن را بخرند بسیار ارزشمند است ... من مطالب آن را در خلاسهایم به بحث می‌گذارم.» (سلیزارودیکس، کوبا)
- «من یک کارگر راه‌آهن و علاقه‌مند به فرهنگ هستم و می‌خواهم از طرف کتابخانه کوچکی که برای رفقای کارگرم سازمان داده‌ام سپاسگزاری کنم.» (لوئیس - اوئل، وینیدال مار شیلی)
- «دریافت مجله پیام برای برنامه‌های اتحادیه ما بسیار ارزشمند است.» (سیداسول هاراپ، مدیر اجرایی اتحادیه دانشجویان الوسيله، لنکات، اندونزی)
- «باشگاه جوانان تاناپارا یک بازار کتاب و مجله برپا کرد که مجله پیام در آن جای خاصی داشت ... ما به کتابها و نشریات خارجی نیاز داریم اما درآمد کافی برای تهیه آنها نداریم و همه هم دانشجو هستیم.» (روبیول اسلام، مدیر کلوب جوانان تاناپارا، بنگلادش)
- «در به‌تازگی از یک مأموریت گزارشی درمورد اردوگاه پناهندگان تایلند بازگشته‌ام در آنجا متوجه شدم که دانش‌آموزان اردوگاه هیچگونه مجله فرهنگی ندارند ... می‌خواهم از شما بابت فرستادن مجله برای آنها تشکر کنم.» (خانم یولانده کارسیا، بنگلور فرانسه)
- «از توجهی که به دانشگاه ما ابراز داشته‌اید سپاسگزاریم.» (ملینا تاردا، سرپرست کتابخانه، دانشگاه کاتولیکی پارامیانگان، باندونگ، اندونزی)
- «شما کتابخانه ما را به یک مجله فرهنگی بین‌المللی مجهز کرده‌اید که اطلاعات جالبی را درباره فرهنگهای دیگر در اختیار خوانندگان فرانسوی زبان ویتنامی ما قرار می‌دهد.» (نکویر ته‌دونه، سرپرست کتابخانه ملی هانوی، ویتنام)
- «هدیه اشتراک پیام شما بخصوص به ما کمک کرد تا کتابخانه‌های خود را تجدیدسازمان کنیم.» (فیلیپ سالورد، اداره زیانثناسی و همکاری آموزشی، زارخ، کرواسی)
- «سالها پیش، قبل از آنکه با پیام دوست شوم به‌رغم اطرافیان و معفکران افکاری خیالپردازانه و دور از واقعیت داشته و بر سر عقاید خویش پافشاری می‌کردم. زمان ملاقات با پیام ... که بسیار به‌موقع و امیدوارکننده بود ... دریافتم پیامهای آن بسیار دلپذیرتر و عمیقتر است. در پیام شما، پیام‌دارانی را دیدم با دیدگاهی پاک و انسانی و اندیشه‌هایی نو و خارق‌العاده.» (یداله دمیچلی، ایران، تهران)
- «مجله پیام دارای مطالب مهم و ارزنده‌ای است که برای دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان موقعیت خوبی را فراهم می‌آورد.» (صغری بابایی، ایران، مشهد)

اگر می‌خواهید این‌گونه پیوندهای دوستی را مستحکم‌تر کنید چرا «دعوت به همبستگی» را نمی‌پذیرید؟ در این باره به نشانی زیر با ما مکاتبه کنید:

تهران، خیابان آیتا، طالقانی، بین فرصت و مفتاح، شماره ۳۷۱، کدپستی ۱۵۸۱۷، تلفن: ۸۸۴۴۴۸۳، ۸۸۴۴۰۵۴۴



روی جلد:
هیروگلیفهایی از خمیر شیشه،
زینت بخش درپوش تابوت جدتوت فانخ
(قرن چهارم ق.م.)، کاهن بزرگ توت؛
توت در مصر باستان خداوندگار حامی نوشتار
محسوب می‌شد.

نگاه کردن به اصل و منشأ شکل‌های گوناگون نوشتار در لحظه‌ای که سیستم جهانی نوینی در جلوی چشم‌های ما درحال تولد است ممکن است عجیب بنماید. متون کامپیوتری که تا چندی پیش غیرقابل تصور بود، بخشی از زندگی روزانه ما شده و امکان دسترسی به دنیای خیره‌کننده نوینی از اطلاعات، آموزش و ارتباط را فراهم آورده است که در شماره ۲۹۷ به تشریح آن پرداختیم.

برخی می‌اندیشند که این متن الکترونیک نوین جای همه سیستم‌های نوشتاری پیشین را می‌گیرد و آنها را به فراموشی می‌سپارد. آیا حق با آنهاست؟

اگرچه این شماره پیام مسئله را دقیقاً به همین صورت مطرح نمی‌کند، از محتویاتش چنین برمی‌آید که پاسخ، به احتمال زیاد «نه» خواهد بود. با ارائه شکل‌ها و تکنیک‌های گوناگونی که برای بصری ساختن کلام گفتاری به کار می‌رود، آشکار می‌شود که رابطه بین زبان و سیستم نوشتاری مورد استفاده برای ثبت آن، تا چه حد نزدیک و ظریف است. نوشته عربی اگر با حروفچینی نگاشته شود دیگر عربی نیست. نوشته ترکی وقتی به خط لاتین نوشته شود دیگر همان زبان نیست. وقتی نظام نوشتاری یک زبان از میان می‌رود، زوال آن زبان آغاز می‌شود - زیرا یک زبان، خط و موسیقی آن متعلق به یک مجموعه زیبایی‌شناختی است.

موضوع نوشتار، ما را با خود به اعماق هویت یک ملت می‌برد. فراگیری نوشتن همیشه مرحله‌ای مهم در این فرایند بوده و به همین وسیله است که یک فرد به حافظه گروهی دسترسی می‌یابد و تبدیل به عضو کاملی از یک اجتماع ملی، بخشی از تار و پود پیچیدگی‌ها و کش و واکش‌های آن می‌گردد. آیا مردمان اواخر قرن بیستم با این همه امکانات بی‌حدی که «جهانی شدن» برای مسافرت و تبادل و تجربیات نوین در اختیارشان قرار داده، می‌توانند هنوز هم به خاستگاه‌های خود، دیدن چهره‌ها، مناظر و گوش دادن به ضرباهنگ‌های آشنا، احساس نیاز کنند؟ به نظر ما چنین احساس می‌کنند و هر قدر در این راه پیشتر بروند به نشانه‌های آشنا بیشتر نیاز پیدا می‌کنند. هر قدر آنها در معرض ارتباطات بیشتر، که از نظر اطلاعات غنی ولی بی‌محتواست، قرار گیرند به تغذیه از فرهنگ خود نیاز شدیدتری پیدا می‌کنند. زبان مکتوب، که سرزندگی خود را از آثاری می‌گیرد که طی قرون ساخته شده‌اند، می‌تواند این میراث را حفظ کند و به دفاع از آن در مقابل خطر ناشناختگی و فراموشی بپردازد.

بهجت‌النادی و عادل رفعت

- | | |
|----|---|
| ۴ | کلام مکتوب
نوشته گزایه پره |
| ۷ | بین‌النهرین: تولد نوشتار
نوشته بشاتریس آندره - سالوینی |
| ۱۰ | چین: از تصویرنگاری تا پین‌یین
نوشته رینی تانگ - لواک و پیر کولومبل |
| ۱۲ | امریکای مرکزی: زبان‌های سرشار از رنگ
نوشته خواکین گالارسا |
| ۱۵ | اسلام: هنر خوشنویسی
نوشته حسن مسعودی |
| ۱۸ | افریقا: نوآوری و الهام
نوشته دیوید دالبی |
| ۲۰ | ژاپن: خط ترکیبی ژاپنی
نوشته شیرو نودا |
| ۲۲ | جهان غرب: قدرت قلم
نوشته هانری - ژان مارتن |
| ۲۶ | پرونده |
| ۲۸ | غول پیکره‌ای با پاهای گلین
دیدگاه فدریکو مایور |
| ۳۰ | توماس مان
تاریک‌اندیشی جدید
ترجمه محمد بوبنده |
| ۳۱ | فضای سبز
عمان: الویت محیط زیست
نوشته فرانس بکت |

مشاور: کولت هاس

پیام

ماهانه به ۳۰ زبان و خط بریل منتشر می‌شود.

«حکومت‌های کشورهای عضو این اساسنامه به نمایندگی از جانب ملت خود اعلام می‌دارند: از آنجایی که جنگ ابتدا در ذهن نطفه می‌بندد دفاع از صلح نیز از همین حیطه باید آغاز گردد... که از صلحی که بر مبنای ترتیبات سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها حاصل شود نمی‌تواند حمایت همگانی، پایدار و صمیمانه ملت‌ها را جلب کند، و چنانچه بخواهیم صلح فرو نپاشد باید بر مبنای همبستگی فکری و اخلاقی کل بشر بنا شود. به این دلایل کشورهای عضو... توافق می‌کنند و مصمم‌اند که وسایل ارتباط میان ملت‌ها را ایجاد و از آنها در جهت تفاهم متقابل و شناخت بهتر و کامل‌تر ملت‌ها از یکدیگر استفاده کنند...» برگرفته از دیباچه اساسنامه سازمان یونسکو، لندن، ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵

اردیبهشت ۱۳۷۴

سال بیست و هشتم - شماره ۲۹۹

تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۷۴

کلام مکتوب

نوشته گزایوه پره

حدود ۳۵۰۰۰ سال پیش، انسان پیش از تاریخ نخستین نقاشیهایش را بر دیوارها و سقف غار کشید، اما اولین نظامهای نوشتاری با استفاده از نشانه‌ها، بسیار بعدتر در بین‌النهرین و مصر پیدا شد.

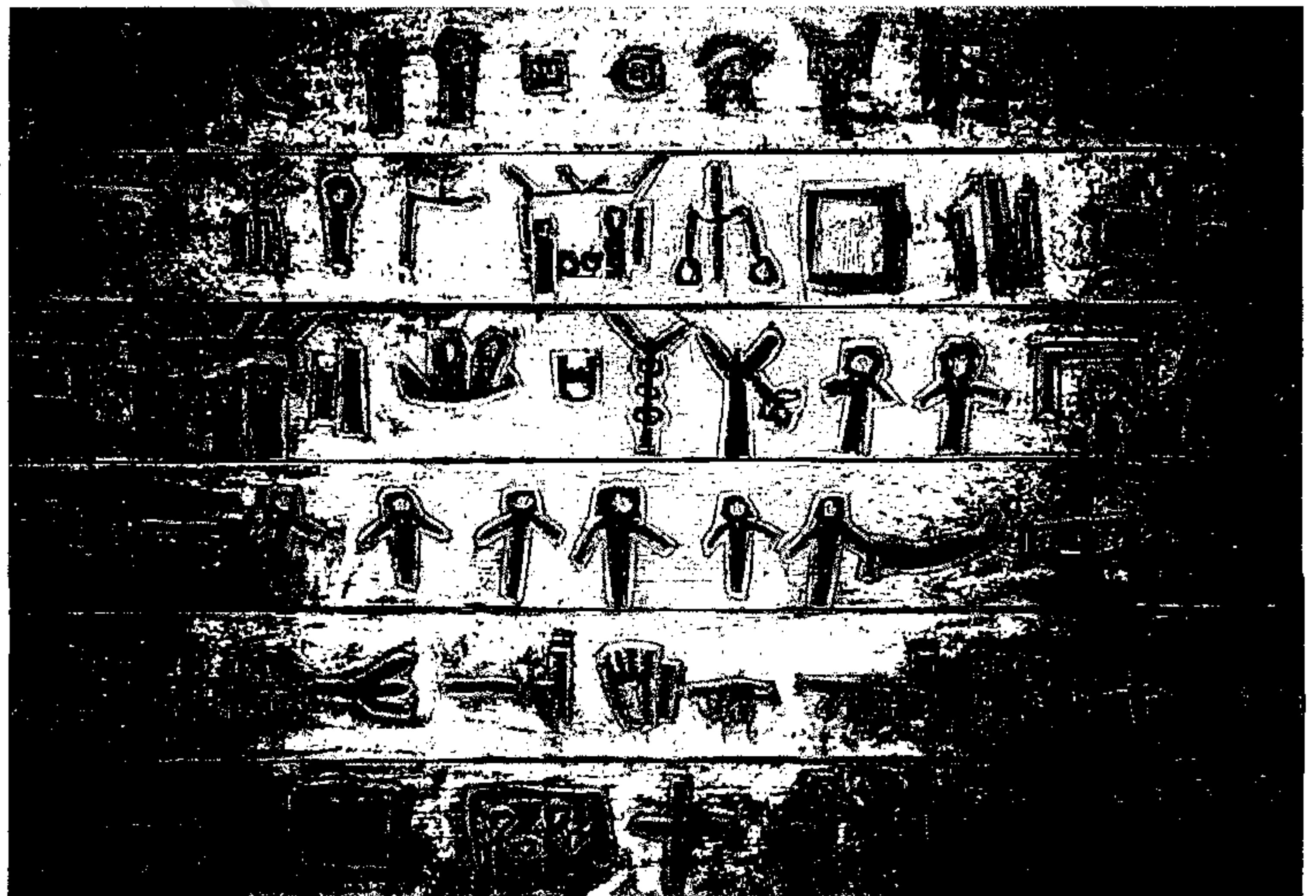


پیدایش نوشتن با تولد شهرها همزمان بود. بالا، بخشی از نقش برجسته آشوری از قصر سارگن دوم، در دورساروگین، قرن هشتم قبل از میلاد، که مردی را نشان می‌دهد که ماکت شهری را در دست دارد.

قابلیت خود را برای تبیین همه مباحث انسانی گسترش داد. کمی بعد در آغاز هزاره دوم قبل از میلاد، در یک سوی جهان، کتابت چینی، براساس شکل تصویری، به وجود آمد، و به همین قیاس نظامهای مصری و مایایی، که منشأشان هنوز ناشناخته است، باز هم با استفاده از تصاویر به منزله دلالت‌گرها، پیدا شد.

ظاهر تجسمی این نمادهای تصویری اولیه، یادآور نخستین کوششهای انسان برای نمایش اشیاء، در نقاشیهای درون غار دوران دیرینه‌سنگی است. ما از بازنماییهای جانوران و انسانهایی که در هنر صخره‌ای ۳۵۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰

کتابت، به منزله نظامی از نمادها در یک ساختار زبانی، در اواسط هزاره چهارم قبل از میلاد پیدایش یافت. این نظام که در اصل مرکب از تصویرنگارها بود، به تدریج به انتزاعی شدن گرایش پیدا کرد، و به این ترتیب



بالا، کتیبه‌های مقدس، نقاشی روی سنگ توسط آوارگان تبتی در لاداخ (هندوستان).

تصویرنگاره‌کننده کاری شده روی چوب، حدود ۱۹۰۰، توسط یک صنعتگر متعلق به قوم دایاک اهل ساراواک، در جزیره بورنیو.

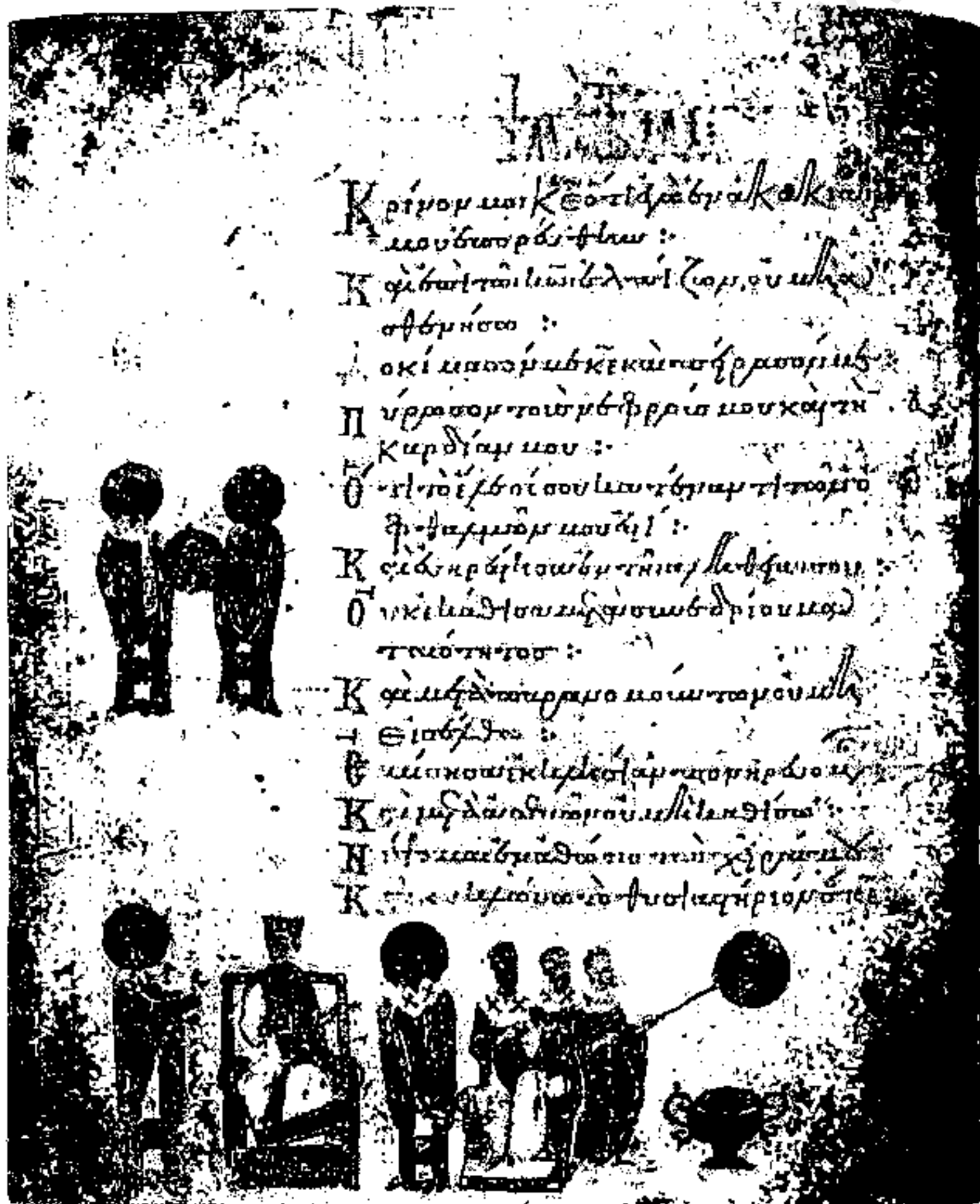
اما هزاران سال فاصله بین نقاشیهای باقی مانده از فرهنگهای اورینیاکی و ماگدالنی و نخستین نمادهای غیرتجسمی گرافیک، یعنی اعداد است، چه نظام باستانی چینی ترکیه‌های شمارش باشد یا نظام سومری حسابداری با استفاده از گویهای گلی توخالی^۱ طی این دوره نسبتاً طولانی است که انقلاب نوسنگی به وقوع پیوست، و رابطه بین انسانها و محیطشان دستخوش تغییری شگرف شد، شکارچی - گردآورنده به تولیدکننده مبدل شد. نظامهای نوشتاری با انتزاعی کردن و به هم آمیختن تصاویر به مرحله بازنمایی سخن و اندیشه رسید.

مثلاً علائم اندیشه‌نگار سومری، به مانند تصویرنگارهای چین باستان، مفاهیم بنیادینی را به نمایش درمی آورد که برای گرفتن پیام توسط خواننده نیازمند تفسیر بود. جماعات بسیاری از کاتبان قرن‌ها در تحول این شیوه بازنمایی کوشیدند تا عاقبت نظامهایی به وجود آمد که به کمکشان می شد تمام زیر و بمهای زبان را انتقال داد.

از نمادها به اصوات

درحالی که پیدایش شکلهای نوشتن در سومر، چین و شاید در امریکای مرکزی را بتوان ناشی از تحول تدریجی دانست، انواع نظامهای آوانگاری (الفبا یا هجانگاریها) را که در همه جای دنیا هست، می توان ناشی از اشاعه الگوی اولیه‌ای دانست که توسط جوامع گوناگون اخذ شده و مورد تقلید و اقتباس قرار گرفته است.

نخستین نظام آوانویسی (احتمالاً هجایی) ظاهراً نظام فنیقی بود که نخستین نشانه‌های آن را شاید بتوان تا قرنهای



سال قبل از میلاد، دیده می شود، چه درمی یابیم؟ گرچه هیچ گونه ارتباطی با یک ساختار زبانی در آنها نمی توان دید، اما آنچه می بینیم میل به بازنمایی موضوعات در شکل گرافیک است که نشان دهنده وجود یک زبان مشترک - یا دست کم مصداقهای مشترک - در میان یک جماعت و از این رو، وجود یک شیوه تفکر مشترک است.

یک دست نوشته
تذهیب شده بیزانسی
متعلق به قرن چهارم.

هر جامعه‌ای که نظام آوانگاری فنیقی را اخذ می‌کرد می‌بایست آن را با نیازمندیهای خود منطبق سازد. به این ترتیب خطهای آرامی، عبری و نبطی به‌وجود آمد و در نتیجه موجب پیدایش دیگر خطها شد که آنها نیز دستخوش اقتباس و دگرگونی گردیدند. مثل زبانهای یونانی و عربی که باز به‌نوبه خود راه را برای خطهای دیگر هموار ساختند.

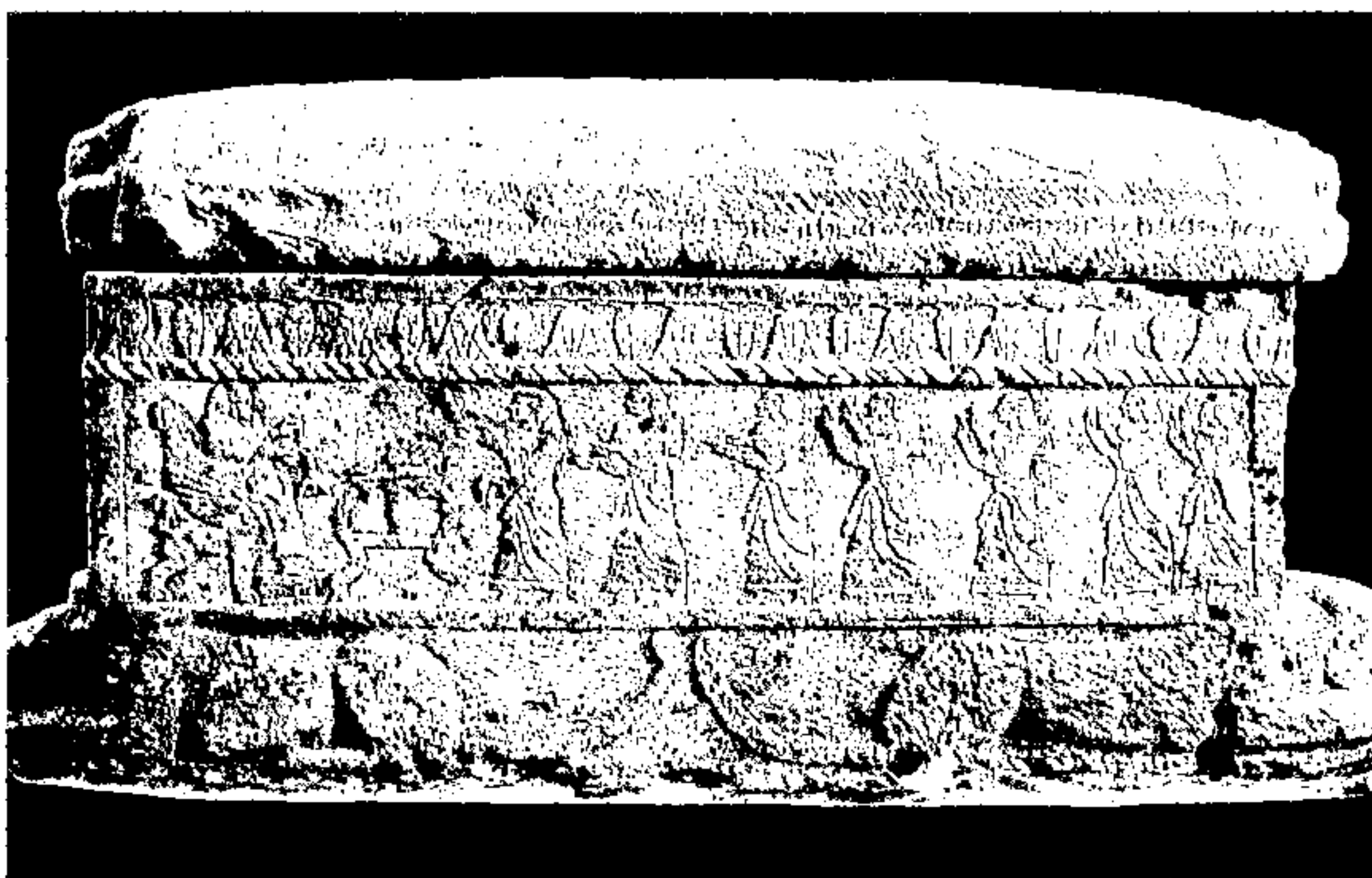
در این مرحله ما دیگر نه با مسئله ترویج یا تحول، که با آمیختگی سر و کار داریم.

بازگشت تصویر

پس نوشتن چه کارکردی دارد؟ در آغاز این بحث، باید گفته شود که نوشتن دو هدف مشخص را دنبال می‌کند. در چین، چنانکه بقایای باستان‌شناسی به‌صورت لاک سنگ‌پشت‌ها و «استخوانهای پیشگو» نشان می‌دهند، برای ایجاد ارتباط با دنیای دیگر به کار می‌رفت. بنابراین کارکردش، در ابتدا جادوگرانه بوده، یعنی کاملاً برخلاف آنچه در سومر پیش آمده که صرفاً برای حسابداری به کار می‌رفت. نوشتن در جای دیگر، در مصر و در میان اقوام مایا، فقط برای مقامات روحانی شناخته شده بود و در خدمت مذهب قرار داشت، بعدها نیز در اروپا تا مدت‌های طولانی حق خصوصی کشیشان محسوب می‌شد.

از آنجاکه قدرت روحانی و غیرروحانی هردو، در دست افراد واحدی بود، نوشتن که ارتباط نزدیک یا دور با جادو داشت، جزو دستگاه قانونی و سیاسی صاحب قدرت‌ان گردید. این حق قانونی حاکمان پس از مدتها به آرامی و باگذشتن از صافی به اقشار دیگر جامعه انتقال یافت. مثلاً هنگامی که کاهنان مایایی از میان رفتند، اسرار نوشتار مایایی نیز با آنان از میان رفت، و قرن‌ها طول کشید تا خط معمولی مصری رواج یافت که در اداره امور، تجارت و ادبیات به کار می‌رفت. در غرب گسترش سواد به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد، و حتی امروز هم هیچیک از جوامع صنعتی مدرن نمی‌تواند مدعی شود که مردم جامعه‌شان صد درصد باسوادند.

تناقض آمیز اینکه، طی یک قرن و نیم اخیر در همین جوامع، یعنی جایی که قانون به‌صورت نوشته درآمد و از این‌رو نوشتار ضمانت قانونی یافت، ارتباط از طریق تصاویر زمینه بیشتری پیدا کرد. درحالی که اختراع چاپ ممکن است موقتاً جلوی تحول نوشتار را گرفته یا آن را تحت‌کنترل درآورده باشد، بازگشت تصویر، همراه با این واقعیت که علائم اندیشه‌نگاری و تصویرنگاری مدام در پیرامون ما به‌وجود می‌آیند، نشان می‌دهد که این تحول بار دیگر از سر گرفته شده است.



سیزده و یازده قبل از میلاد پی گرفت. گرچه منشأ اصلی حروف فنیقی در ابهام است (احتمالاً از اندیشه‌نگارهای سومری اقتباس شده)، ولی صاحب‌نظران اکنون، در اکثر موارد، توافق دارند که آنها ماتریسی بودند که موجب تحول الفبای گوناگونی شده‌اند که امروزه در سراسر جهان معمول است. استفاده از خط آوانگاری از طریق انتقال جمعیت مثل مهاجرت آرامنه چادر نشین به بین‌النهرین، یا فعالیتهای بازرگانی مثل فنیقی‌ها در شرق مدیترانه، و پس از استقرار قدرت سیاسی (مثل هجوم دوری‌ها به یونان) یا قدرت مذهبی (مسیحیت بر اثر ترجمه کتاب مقدس به اسلاوی) اشاعه یافت؛ اما موفقیت این متون بدون تردید ناشی از این واقعیت بود که این متون به نسبت خط مشکل میخی یا خط پیچیده هیروگلیف مصری قابل فهم‌تر بود.



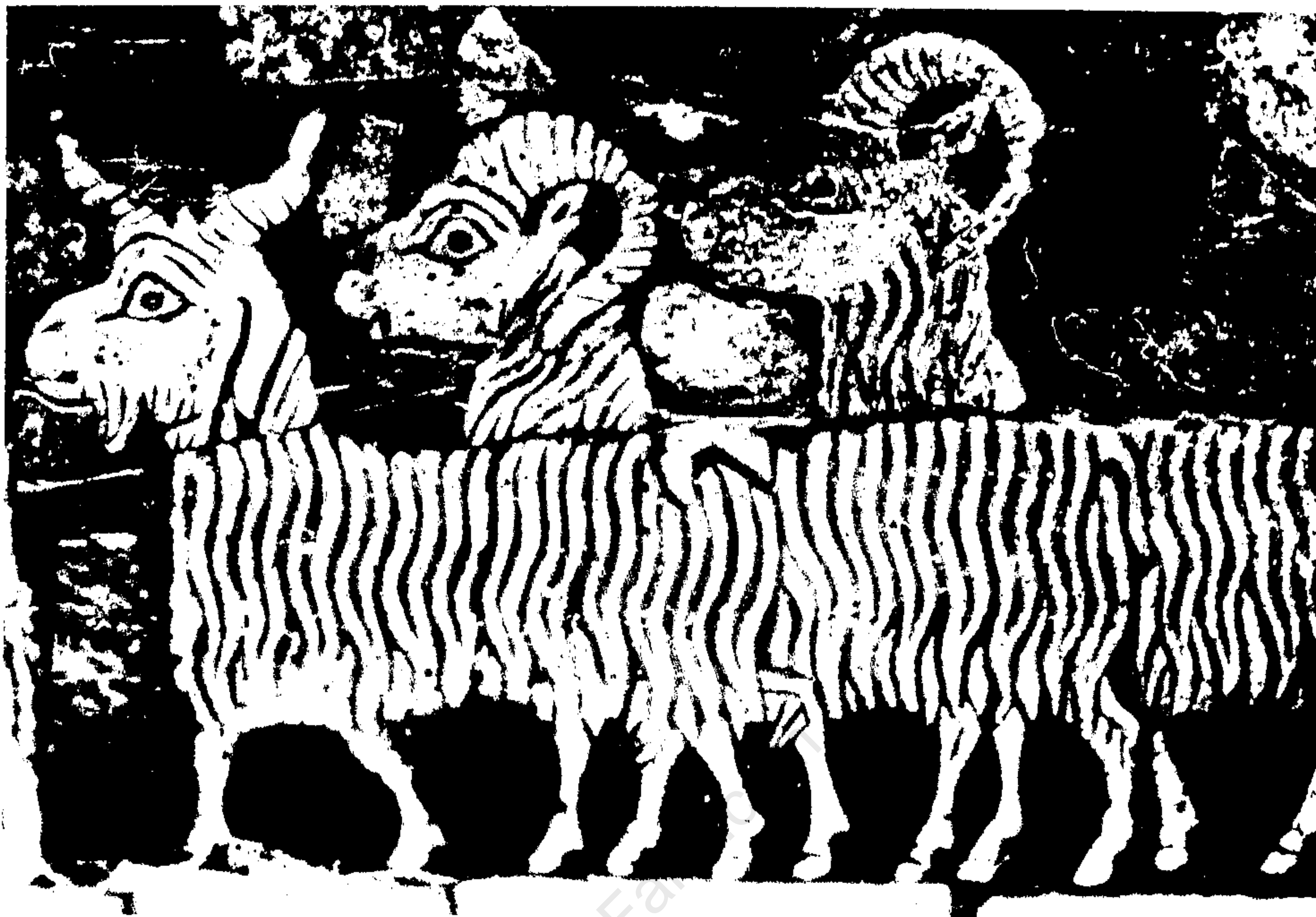
بالا، بخشی از یک کتیبه هیروگلیف «جتی» (قرنهای نهم - هشتم قبل از میلاد) که نامهای سلطان تلیمیتوس و یسروش سایلبلو لیوما، فاتح حلب به سال ۱۳۵۴ قبل از میلاد، را بر خود دارد. حتی‌ها که به مدت پنج قرن بر بخشی از جهان که اکنون ترکیه آسیایی است فرمان می‌راندند، از اندیشه‌نگارهایی استفاده می‌کردند که از بابلی‌ها وام گرفته بودند.

بالا، کهن‌ترین نمونه شناخته شده الفبای فنیقی. کتیبه‌ای بر گور سلطان اهیرام اهل بیلوس، متعلق به قرن سیزدهم قبل از میلاد.

راست، تصویرنگاره‌های منقش بر این کاغذ پوستی متعلق به قرن شانزدهم کشور بولیوی، مبنای دینی مسیحیت را به سرخیوستان آموزش می‌دادند.

گزاویه پره (Xavier Perret)

اهل فرانسه مترجم و معلم زبان انگلیسی.



تولد نوشتار

نوشتهٔ بئاتریس آندزه - سالوینی

در بین‌النهرین باستان نوشتن برای برآوردن نیازهای حسابداری و فهرست‌برداری اختراع شد. قدیمی‌ترین محاسبات به‌جای مانده روی الواح ساخته شده از گلی به ثبت رسیده‌اند که در دره‌های خاور نزدیک به فراوانی یافت می‌شد.

معبد خدای نگهبان تبدیل به مرکز اداری بزرگی شد، و تحت حاکمیت رهبر سیاسی و مذهبی «شاه - کاهن» درآمد. مناسبات پیچیدگی یافت و سرپرستان معبد مجبور شدند حرکات مأموران، دستمزدها و ورود و خروج کالاها و گله‌های حیوانات را تحت نظارت خود داشته باشند. از آنجا که ظرفیت حافظهٔ انسانی محدود است، لازم شد نظام نوین و متحدالشکلی به‌وجود آید تا بتوان اطلاعات شفاهی را حفظ کرد و بعد به‌صورت کلام زنده درآورد. نوشتن به این ترتیب به‌وجود آمد. از این رو در کوششهای اولیه، مفاهیم نوین به شکلی انتزاعی نشان داده می‌شد. مثلاً کلمهٔ گوسفند، حیوانی که بیش از همه می‌بایست شمارش می‌شد، ابتدا به‌صورت دو خط متقاطع در یک دایره - به‌معنای حیوانی در یک جایگاه

نوشتار نخستین بار در حدود ۳۳۰۰ سال پیش از میلاد در سرزمین سومر پدیدار شد که با ساختن نخستین شهرها همزمان بود. در این زمان شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاب می‌کرد که نوشتن برای پاسخگویی به این نیازها ابداع گردد.

شهر اروک در جنوب کشور، مرفه و ثروتمند بود و با شهرهای دوردست به‌منظور ورود مواد خام موردنیاز خود، مبادلات بازرگانی داشت.

بالا، گوسفندان و بزهای منقوش بر موزائیک سنگ لاجورد، نمونه‌ای از هنر سومری متعلق به ۲۸۰۰ - ۲۱۰۰ قبل از میلاد.

در اواسط هزاره سوم قبل از میلاد علائم نوشتاری، کوچک، وارونه و ساده شدند. این علائم اکنون دیگر نمایانگر یک شیء نبودند بلکه صداهایی را نشان می دادند که آن اسم را می ساختند، و نیز برخی از محتوای نمادین خود را از دست دادند. خط میخی به مرحله ای از تکامل رسیده بود که می توانست بیانگر اندیشه ها باشد.

محصور - باز نموده شد.

نوشتن به عنوان کمکی ساده به حافظه آغاز گشت اما شکل و محتوای آن به تدریج طی قرون بعد تحول یافت. شکل خطی نوشته، که با یک ابزار نوک تیز کنده کاری می شد، به زودی تغییر یافت. علائم همه شباهتهای خود را به شکل تجسمی اصلی از دست دادند. این پدیده ناشی از ماده ای بود که برای نوشتن به کار گرفته شد، یعنی گِل، که تنها ماده طبیعی مناسب در جنوب بین النهرین بود. محدودیتهای آن موجب دگرگونی این علائم شد. از آنجا که ترسیم خطوط منحنی بر گِل نرم مشکل بود، آنها را به صورت خطوط مستقیم درآوردند که به زودی به جای کنده شدن، به کمک یک قلم نی با سر مثلثی نوشته می شد. این خطوط ممکن بود افقی، عمودی یا مورب باشند و با ترکیبهای متفاوتشان یک علامت را به وجود آورند.

با تغییر خط، کاتبان نیز کوشیدند تا دامنه و توانایی سیستم

لوح اداری نو - سومریایی
متعلق به اواخر هزاره سوم
قبل از میلاد.

اندیشه نگار را با خلق علائم ترکیبی، گسترش دهند. برای ساده کردن کتابت نیز کوششهایی به عمل آمد تا از تعداد علائم کاسته شود، به طوری که همان اندیشه نگار را بتوان برای ضبط کردارها و پندارهای مشابه به کار برد. خواننده می بایست با توجه به متن از معانی مختلف آن یکی را که مناسب است برگزیند که این کار آسانی نبود.

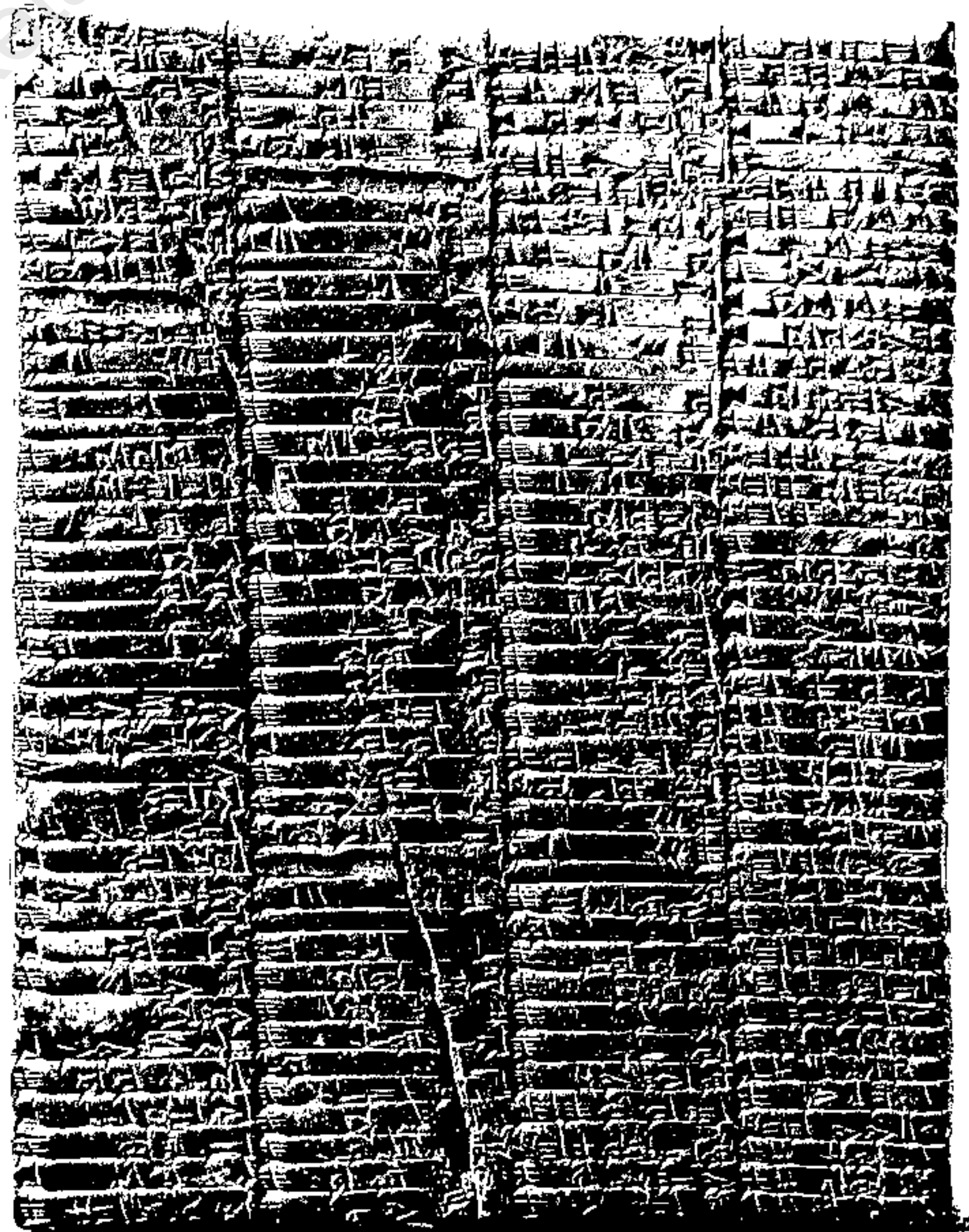
برای خلاصی از این مشکل تفسیر، «شناسه ها» ابداع شدند؛ اینها در ابتدا یا انتهای کلمات قرار می گرفتند و احتمالاً تلفظ نمی شدند. آنها مقوله ای را مشخص می کردند که مفهوم بیان شده به آن تعلق داشت؛ خدا، انسان، سیاره، پرنده، کشور، سنگ و غیره. نیاز به ضبط کردن درست اسامی و عناصر دستوری منجر به ابداع علائم نمایانگر صوت (علایم صوتی) گردید که با پیراستن اندیشه نگارها از معانی و حفظ اصواتشان صورت گرفت.

این تکنیکها به کاهش علائم نوشتاری منجر شد، به طوری که تعدادشان از ۹۰۰ عدد در دوران اولیه به حدود ۵۰۰ عدد در اوان ۲۴۰۰ قبل از میلاد رسید. به این ترتیب این امکان به وجود آمد تا نظامی هجایی تحول یابد که بتوان به وسیله آن عبارات نوشتاری را با توجه به مناسبات خطی بین کلمات نشان داد و همه ظرایف زبان گفتاری را باز نمود.

محتوای متنها نیز غنی تر شد و امکانات نوینی را برای

تحول حروف میخی

حدود ۶۵۰ ق.م	حدود ۲۴۰۰ ق.م	حدود ۳۱۰۰ ق.م
UDU (گوسفند)		
AB2 (گاو)		
DINGIR (خدا، یک شناسه الهی)		
DU1 (حرکت کردن، رفتن)		
DU3 (بنا کردن، ساختن)		



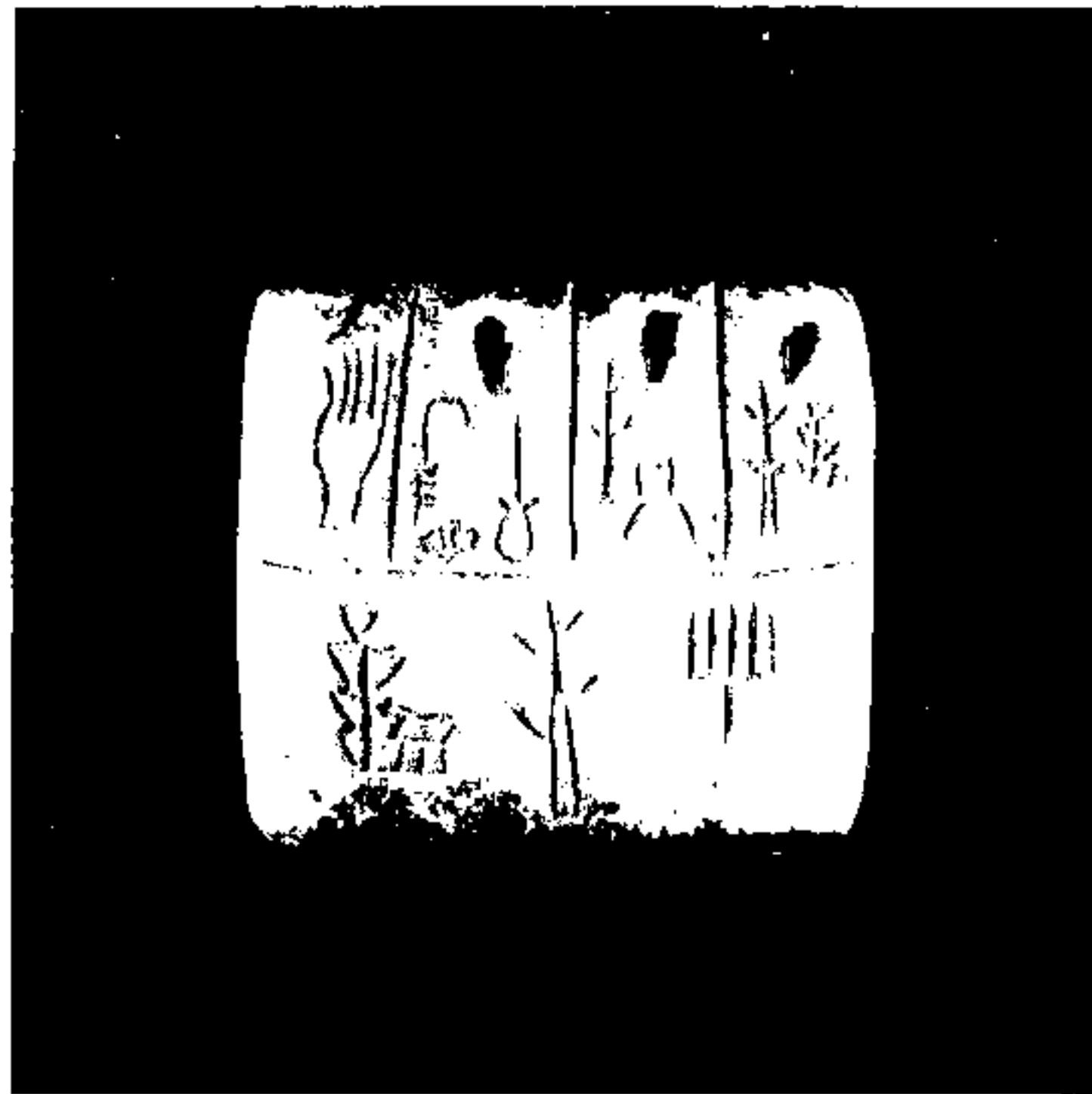
باز تولید همه عناصر موجود در زبان سومری فراهم آورد.

از حسابداری تا داستان‌سرایی

نخستین متون نوشتاری ادبیات سومری، که در آنها فقط ریشه افعال ضبط می‌شد و پر کردن عناصر جافتاده را به خواننده وامی‌گذاشت، در دوران خاندانهای باستانی (حدود ۲۷۰۰ قبل از میلاد)، همراه با قراردادهای و دیگر اسناد تجاری، پدیدار گشت.

در اواسط هزاره سوم قبل از میلاد، علائم نوشتاری، کوچک، وارونه و ساده شدند و دیگر نمایانگر یک شیء نبودند بلکه صداهایی را نشان می‌دادند که آن اسم را می‌ساختند، و نیز برخی از محتوای نمادین خود را از دست دادند. شکل‌های آنها پیوسته تغییر پیدا کردند. اکنون دیگر شکل‌های دستوری به‌خوبی جا افتاده بود و خط میخی می‌توانست بیانگر اندیشه‌ها باشد. این خط از محدودیتهای مرزی قلمرو سومر فراتر رفت، و امکان اقتباس از آن برای زبانهای غیر سومری یکی از عوامل عمده تحول آن گردید.

در حدود ۲۳۴۰ قبل از میلاد، فرمانروایان جدید کشور، امپراتوران اکد، دستخط سومری را برای ضبط زبان سامی خودشان، که زبان اکدی خوانده می‌شد، به کار بردند. در پایان هزاره سوم قبل از میلاد، بازگشت کوتاه مدت سومریان به قدرت، شاهد کوششی از جانب شعرا، نویسندگان و محققان برای ضبط و انتشار آثار بزرگ ادبیات شفاهی بود: سرودهایی در ستایش خدایان، اسطوره‌ها، دعاها، حماسه‌ها، رسالات فلسفی و مجموعه‌هایی از علوم. حماسه گیلگمش تبدیل به رایج‌ترین اثر ادبی شد. در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد، در بین‌النهرین زبان سومری به عنوان زبان گفتاری جای خود را به زبان اکدی داد، که پس از آن تبدیل به دو لهجه شد:

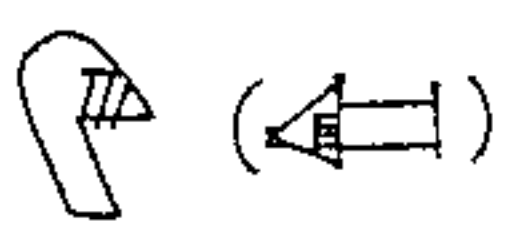
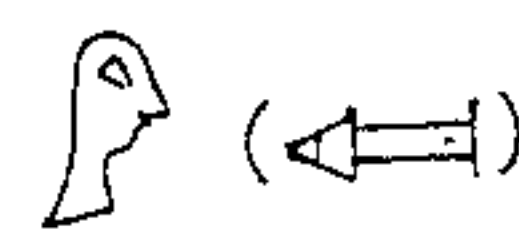


آشوری در شمال و بابلی در جنوب. اما زبان سومری تا آخرین روزهای نوشتن به خط میخی در نخستین قرن دوران مسیحی، به صورت زبان فرهنگ عالمانه اعتبار خود را حفظ کرد.

این نظام به رغم پیچیدگی‌اش در سراسر خاور نزدیک باستانی گسترش یافت و برای نوشتن بسیاری از زبانهای مختلف سامی، هند و اروپایی (مثل زبان حتی) یا «آسیایی» به کار رفت. زوال خط میخی از نخستین هزاره قبل از میلاد یعنی از هنگامی آغاز شد که آرامنه چادر نشین به بین‌النهرین آمدند و زبان نوشتاری خود را رواج دادند که القای خطی آن را به آسانی می‌شد فراگرفت، به کار برد و بر مواد سبکتر مثل پاپیروس ثبت کرد. به این ترتیب خط نوشتاری میخی که مشکل بود و فقط توسط معدودی از طالبان کتابت به کار می‌رفت، به تدریج منسوخ شد.

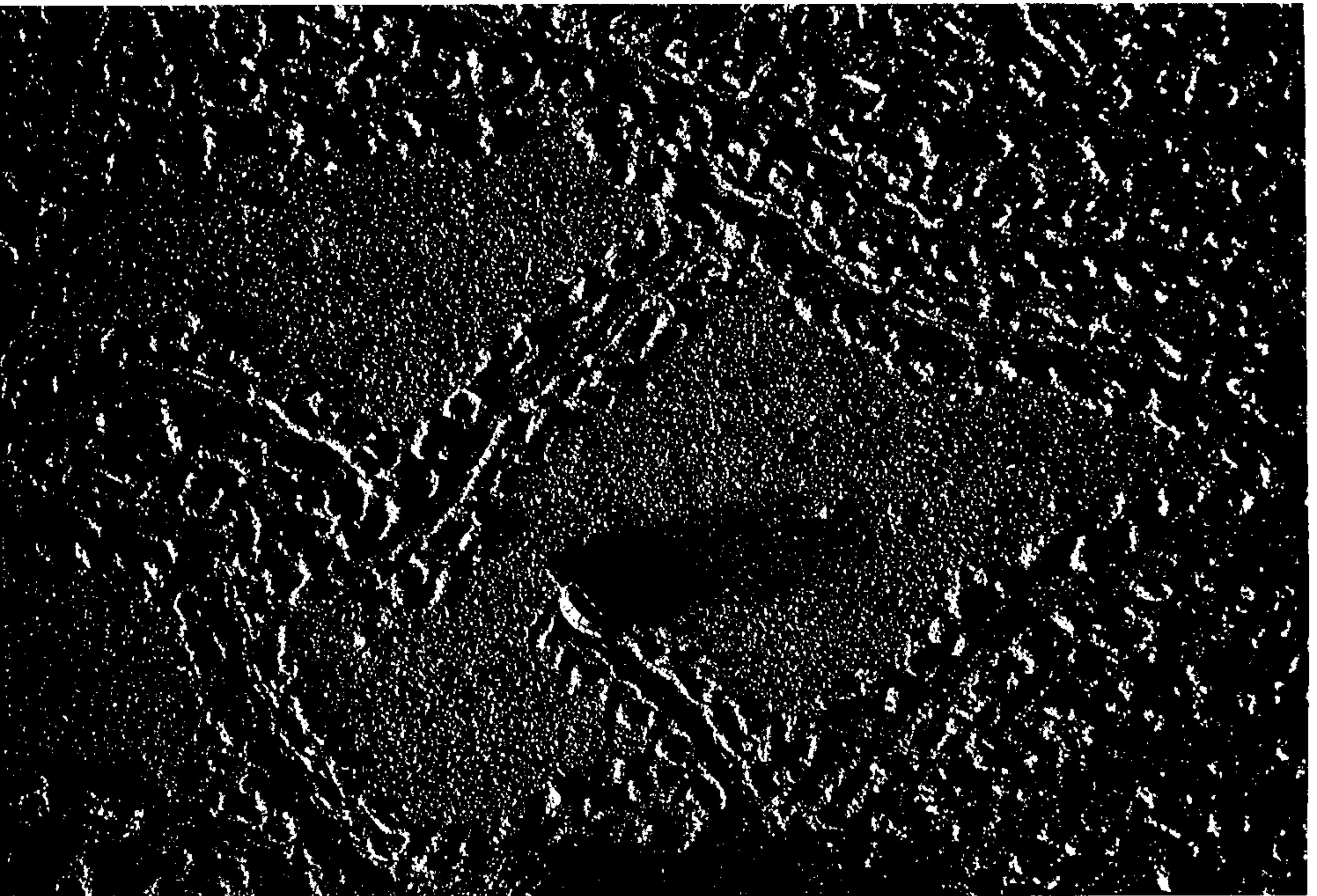
این لوح گلی به دست آمده از بین‌النهرین سفلی (قرن چهارم قبل از میلاد)، سند مالکیتی است با اثر دست مالک آن که بالای سمت چپ لوح دیده می‌شود و نوعی امضا است.

سی حرف خط میخی روی قطعه‌ای گل به اندازه انگشت نقر شده است، پایین این قطعه گلی در سال ۱۹۴۸ در محل شهر باستانی اوگاریت (امروزه رأس شمرة در سوریه) از خاک بیرون آورده شده است. این شیء که متعلق به قرن چهاردهم قبل از میلاد است، نمایانگر نخستین کوششها برای آفرینش یک الفباست.

اندیشه‌نگارهای مرکب			
NAG، نوشیدن؛ دهان + آب (A)	KU 2، خوردن؛ دهان + نان (NINDA)	KA، دهان؛ بخش مورد نظر سر مورد تأکید قرار گرفته است	SAG، سر
			



بناتریس آندره - سالوینی (B. André-Salvini)
فراشوی و متخصص تاریخ آشور و سرپرست و متخصص کتیبه‌شناس در اداره اشیای باستانی شرقی در موزه لوور پاریس است. از جمله آثار منتشر شده او عبارت‌اند از: تولد کتابت در بین‌النهرین، باستان (هنر آسیایی، جلد پنجم، واشینگتن، ۱۹۹۲)، ابداع کتابت (پاریس، ۱۹۸۶)، والواح میخی جهان (بلیزیک، ۱۹۹۲).



از تصویرنگاری تا پین یین

نوشته رینی تانگ - لواک و پیر کولومبل

چینی‌ها هنوز هم شیوه‌ای از کتابت را به کار می‌برند که منشأ آن به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد.

کند. مشاهده صور فلکی «کویی» در آسمان و رد پای پرندگان و لاک‌پشت‌ها بر زمین الهامبخش او در ابداع نوشتن بود. از نخستین روزهای کتابت چینی، انواع گوناگونی از علایم پدیدار شد و به تحول خود ادامه داد و تبدیل به «کلید»‌های این نظام کتابت شد. عناصر اساسی موجود در منشأ این خط همه «تصویری» است. کهن‌ترین شکل‌های شناخته شده، پیکرهای انسانی نقاشی یا حکاکی شده بر سینه صخره‌هاست، مانند آثار هنری بر جای مانده در کوه‌های بین‌شان در مغولستان داخلی.

این تصویرنگاره‌های ساده به تدریج با گذشت زمان پیراسته‌تر شدند. از دل این تصویرنگارها «اندیشه‌نگارها» تحول یافتند که آمیزه‌ای از دو یا سه علامت تصویرنگار بودند که اعمال، اندیشه‌ها و پنداشته‌های نسبتاً پیچیده‌تری را به نمایش درمی‌آوردند. مثلاً پنداشت نور، ترکیبی است از علائمی که خورشید و ماه را نشان می‌دهد.

بنا به یک روایت کهن، کتابت کم‌وبیش مرکب است از علائم تجسمی که نمایانگر موجودات یا اشیاء هستند یا پدیده‌های طبیعی را تداعی می‌کنند.

یک افسانه معروف می‌گوید که چگونه فو - شی، که قانون را به جامعه چین آورد و از مخترعان اسطوره‌ای کتابت چینی محسوب می‌شود، از اثر پنجه پرندگان روی برف الهام گرفت.

یک روایت پیچیده‌تر همین افسانه در متن باقی‌مانده‌ای از دوران حکومت خاندان تانگ (۹۰۷-۶۱۸) یافت می‌شود که در آن مؤلف می‌گوید که فو - شی دارای چهار چشم بود، به‌طوری که می‌توانست به‌طور همزمان زمین و آسمان را نگاه

رینی تانگ - لواک
(R. Tang-Loaec)

اهل فرانسه، قوم‌شناس پیشین
موزه انسان‌شناسی پاریس
وی بالندزمان در نوشتن کتابی
در باره جنبش مشیت زنان به نام
Le mouvement qui apaise
(پاریس، ۱۹۸۴) همکاری داشته است.

پیر کولومبل (P. Colombel)
متخصص فرانسوی نقاشی
درون غارها در مرکز ملی
تحقیقات علمی، (CNRS)، وابسته
به موزه انسان‌شناسی پاریس است.

بنا بر افسانه، مخترع اسطوره‌ای
نوشتار چینی، از ردیای جانوران
روی برف الهام گرفت. در صفحه مقابل
ردیای لاک‌پشت‌ها روی شن
دیده می‌شود.
راست، سه خانواده از حروف چینی.

جدیدتر	بعدتر	در ابتدا
女	𡚦	𡚦
心	𡚦	𡚦
山	山	山
زن		
قلب		
کوه		

زی - شی: علامت نمایانگر حالت، اندیشه یا عمل. معانی این علامت انتزاعی‌تر و استعاری‌تر است.

جدیدتر	بعدتر	در ابتدا
上	上	上
下	下	下
بالا یا روی		
زیر یا پایین		

هویل: یک دسته از علامت مبتنی بر ترکیبی از دو یا سه عنصر از دسته‌های پیشین. علامت مخصوص برای «اعتماد» ترکیبی است از علامت مخصوص «انسان» و علامت مخصوص برای «کلمه». علامت مخصوص برای «پاییز»، فصلی که طی آن علف در مزارع زرد می‌شوند، از علامت مخصوص برای «کاه» و «آتش» تشکیل شده است. همان علامت مخصوص پاییز وقتی در بالای علامت مخصوص قلب قرار گیرد معنای «اندوه» می‌دهد.

ساده و پیراسته شده (تصویرنگارها) یا ترکیبی از
تصویرنگارهایی که فعل یا مفهومی را تداعی می‌کرد. می‌توان
گفت که این کتابت، در بدو پیدایش، مستقل از زبان به وجود
آمد و این معادل گفتاری کنونی محصول یک فرایند طولانی
تحول طبیعی است.

این نبشته‌های غیبگویی از روی
استخوان، از جمله نخستین آثار
نوشتار چینی هستند که تاکنون
شناخته شده‌اند (متعلق به قرنهای
۱۶ تا ۱۱ قبل از میلاد).



حروف شیوه نوشتاری جدید که از دل این تصویرنگارها
تحول یافتند، معدود اما، متشکل از «ریشه‌ها» یا «کلیدها»یی
هستند که مبنایی را برای طبقه‌بندی حروف در فرهنگهای
لغوی به وجود آوردند که تا ابداع سیستم «پین‌یین» در دهه
۱۹۵۰، برای ضبط تلفظ حروف چینی به شیوه الفبای رومی،
هنوز مورد استعمال بودند.

پیدایش یک خط نوشتاری چینی این امکان را به وجود
آورد تا متنهایی نوشته شود که تاریخ آنها به دوران انتقال
قدرت بین خاندانهای شیا (قرنهای بیست و دوم تا هجدهم
قبل از میلاد) و شانگ (قرنهای هجدهم تا یازدهم قبل از
میلاد) بازمی‌گردد. این زمانی است که سلسله مراتب در جامعه
چینی استقرار یافت و قدرت دولت مستحکم شد.

انتخاب طبیعی

کشفیات باستان‌شناسی تا به حال امکان تدوین فهرستی از
۴۰۰۰ علامت را به وجود آورده که روی بیش از ۱۰۰۰۰
قطعه لاک سنگ پشت و استخوانهای مسطحی کنده کاری شده
است که هم برای مقاصد پیشگویی به کار می‌رفته و هم ثبت
وقایع یا تنظیم فهرستها. این علائم باستانی مسیر پیدایش و
تحول کتابت چینی را نشان می‌دهد. تا به حال بیش از هزار
مورد از این علائم شناسایی شده است. اینها به یک معنا
«طرحهای تندخوانی» هستند که پرهیب‌سازی شده و تحت
قاعده معینی درآمده‌اند: هر کلمه و معنای بیانی آن با یک
علامت مطابقت دارد.

در دوران شانگ، این نوع کتابت - که محصول دورانی
طولانی بود که طی آن علائم تغییر یافته بودند - هنوز به کار
می‌رفت، اما در واقع همه علائمی که به این طریق به وجود
آمده بودند، حفظ نشدند. بعضی از آنها که به سختی
قابل انتقال بودند، یا اهمیت کمی داشتند یا در حافظه
نگه‌داشتشان مشکل بود، به ناگزیر از میان رفتند. برعکس،
بقیه که مفاهیم خاصی را به نحوی بهتر تداعی می‌کردند و
بیشتر قابل فهم بودند، نخستین عناصر خطی شدند که توسط
مردمی دارای زمینه فرهنگی مشترک، به کار می‌رفت.
بنابراین کتابت چینی در اصل مرکب است از شکل‌های

مایاها و تولاتک‌ها و
ازتک‌ها در
امریکای پیش از
کشف کلمب
سیستمهای نوشتاری
کاملاً تجسمی به وجود
آوردند که در آنها
رنگ مهمترین نقش
را داشت.



زبانهای سرشار از رنگ

نوشته‌ خواکین گالارسا

از قدیمیترین روزگاران نوشتن در امریکای مرکزی رواج داشته است. انبوه گسترده‌ای از نمادها در زمانی به پیشینگی عهد اولمک، یعنی بسیار پیش از آغاز دوران مسیحیت، پدیدار شد. بعضی از آنها بدون تغییر در تمدنهای بعدی تئوتیهواکان، میکستک، مایا، زاپوتک و ازتک، همچنان دوام یافت، و حتی آثار آن را در دست‌نشته‌های دوران متأخرتر، یعنی قرنهای شانزدهم -

هجدهم نیز می‌توان دید. نوشتن چه به صورت منقور یا منقوش یا کنده‌کاری نیمه‌برجسته بر سنگ یا چوب زینت‌بخش دیوار عمارات یادمانهای مذهبی و کشوری گردید. خواننده برای خواندن آن متون، که عمدتاً به مشاهدات نجومی یا آغاز و پایان حکومتها مربوط بود، مجبور می‌شد دور آن دیوارها بچرخد. تعداد ارقام و تواریخ زیاد بود.

بالا، «لوح سفیر» (حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد) در محل اولمک واقع در لاونتلا، مکزیک. گلیف‌های نقش‌شده بر آن از کهن‌ترین علائم نوشتاری پیدا شده در امریکای مرکزی است.

نخستین مواد قابل حمل که برای نوشتن به کار رفت احتمالاً پوست حیوانات (عمدتاً پوست گوزن) بود. ماسکهای یشمی و بت‌های کوچکی که به صورت هدیه به معابد دیگر فرستاده می‌شد، احتمالاً همراه متونی مذهبی بود که توضیح می‌داد آن اشیاء متعلق به کدام ناحیه‌اند. متنهای طولانی‌تر و پیچیده‌تر مربوط به مضامین اسطوره‌ای، تاریخی و مذهبی روی ظروف سرامیک نوشته می‌شد.

مدتها بعد زمانی که کشت پنبه رواج یافت و رشته و بافته شد، اطلاعات مربوط به نقشه‌کشی و تبارشناسی (علم‌الانساب) روی قطعات بزرگتر پارچه ثبت می‌شد.

در روزگاران قدیمتر پوست درخت انجیر وحشی (amall)، برای ساختن نوارهای درازی از «کاغذ» به کار رفت که رویشان مطالب مصوری نگاشته می‌شد. اوراق کاغذ یا پوست را می‌شد لوله یا تا کرد و بین دو قطعه نصب کرد و محفوظ نگاه داشت تا به صورت دستنوشته درآید، نامی که بعدها به نسخه‌های خطی اروپایی داده شد که بی‌شبهت به آنها نبود.

تصویرنگارهای مبتنی بر مشاهده بیرونی

به علت همین تفاوت ظاهری گفته شده است که در امریکای مرکزی چندین نظام نوشتاری وجود دارد. اما یک نظام بنیادی واحد نیز هست که مبنای تصویری آن جزو اصیل‌ترین جنبه‌های آن است.

تصویرها کاملاً به صورت کُذ درآمدند تا بتوانند عناصر بنیادی معنایی و لفظی زبانهای مردم بومی را به صورت خط ثبت کنند، تا پس از آن برای ثبت و انتقال اندیشه‌ها و دانششان به کار روند و نیز بتوانند به تولید آثار هنری پردازند.

نسخه‌های خطی تصویری یا تصویرنگارانه امریکای مرکزی مثل نوارهای مصوری هستند که در آنها شکل و پیکر نقش عمده دارد زیرا هر عنصر مفهومی را القا می‌کند و به شیئی اشاره دارد، درعین حال که دارای ارزشهای آوایی (فونتیک) و تجسمی نیز هست.

این تصویرنگارها محصول مشاهده مستقیم‌اند. آنها با درجات متفاوتی از انتزاع و ساده‌شدگی که گاهی کاملاً شکل انتزاعی پیدا می‌کنند، به نمایش گیاهان، جانوران، اشیاء مصنوع و اجزای بدن انسان می‌پردازند.

در این طراحیها هیچ جزء نابجا یا صرفاً تزئینی وجود ندارد و باید آنها را به عنوان یک کلیت پذیرفت و خواند. آنها در اصل، بخشی از یک قرارداد تجسمی مورد قبول عام بودند، هرچند که هر تصویر به اقتضای نیازهای زبانی هر گروه تغییر پیدا می‌کرد.

این علائم از لحاظ فضا و حجم نیز از تمدنی به تمدن دیگر تفاوت پیدا می‌کردند. مثلاً، در تمدن مایا، تمایل بیشتر به تنظیم خطی انواع خاصی از علائم بود، هرچند که آنها نیز نواحی افقی یا عمودی را کنار می‌گذاشتند تا بتوانند پیوسته دیگر کلمات را به تحریر درآورند. بخصوص هنگامی که به ثبت محاسبات یا عرضه تاریخ وقایع می‌پرداختند.

اما نخستین علائم کلمات در داخل قابهایی کشیده می‌شدند که در آنها عناصر تجسمی به چشم می‌خورد. در تصویرهای امریکای مرکزی، بزرگترین طرحها متمایز از طرحهای دیگر به نظر می‌آیند. به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که فضای خط به دو قسمت تقسیم شده است: گلیفی برای تصویرهای کوچک و تمثالی برای تصویرهای بزرگتر. اسناد باقی‌مانده از تمدنهای میکستک و آزتک «مناظر» و «صحنه‌ها» بی‌را نشان می‌دهند که در آنها مضامین متفاوت با هم می‌آمیزند و اطلاعات مرحله به مرحله ارائه می‌شود.

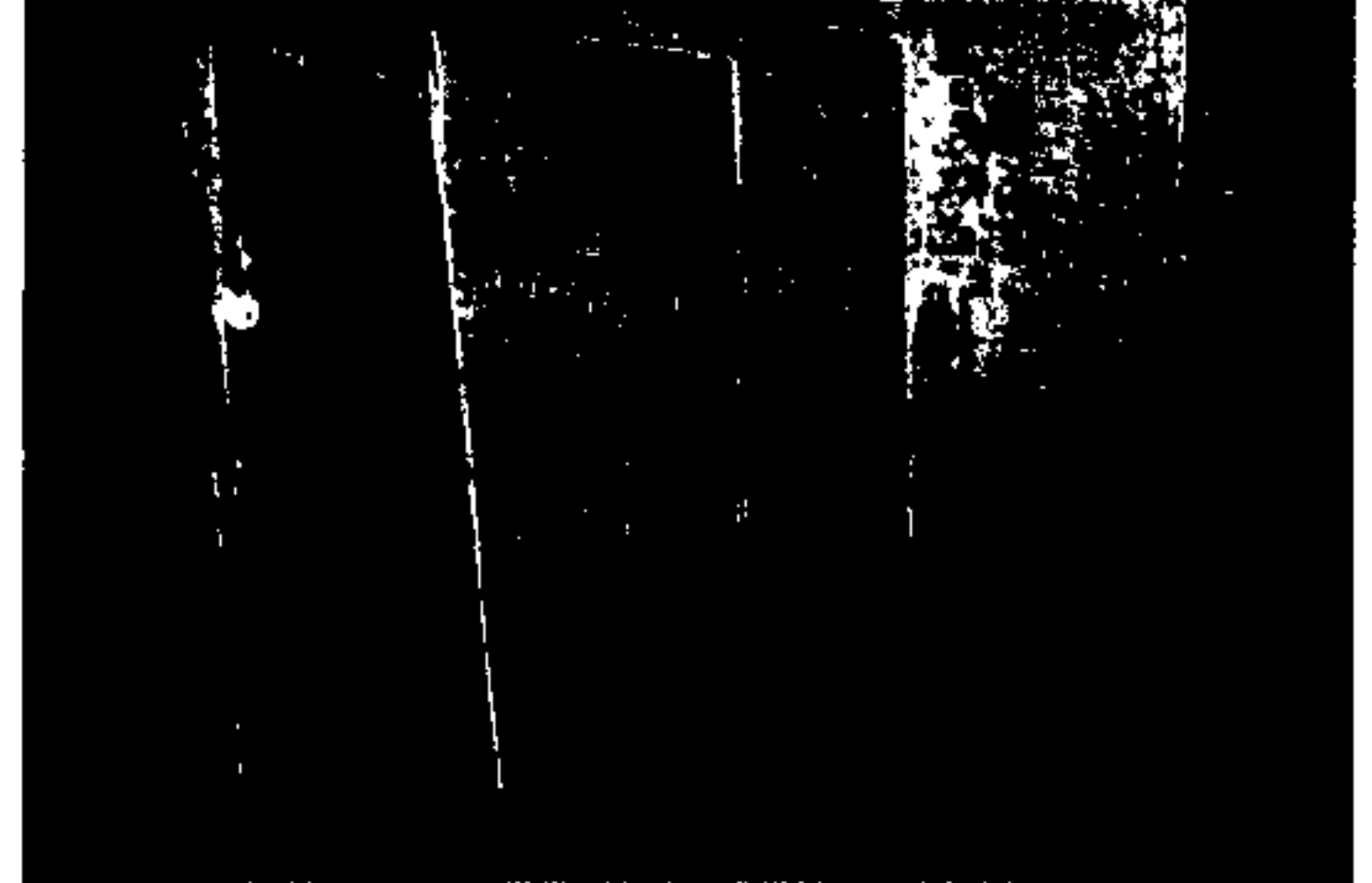
گلیف‌ها و تمثالها در ناحیه تصویری به هم می‌آمیزند و مرتبط می‌شوند. همیشه راهنماهای چندی برای نشان دادن جهتی که دستخط باید خوانده شود، وجود دارد. دستخط آمیزه‌ای است از واژه‌نگاری و تصویرنگاری.

تنها در اسنادی که به منظوری خاص تنظیم شده است، مثل تقویمها، گاهنامه‌ها یا فهرستهای اقتصادی «متون» مختلف را می‌توان از یکدیگر تمیز داد.

بخشی از یک «کتاب سرنوشت» یا تقویم آیینی از تک‌ها، متعلق به دوران فاتحان اسپانیایی (قرنهای یازدهم و شانزدهم). این تقویم که روی کاغذ ساخته شده از پوست درخت، نقاشی شده، به یتکاتل، خدای یالکه (تخمیر عصا آگاوا)، پیشکش شده است که نماد آن کوزه‌ای است که در پیش یایش قرار دارد. رو به روی این خدا، دو جنگجو یکی عقاب و یکی ببر، ایستاده‌اند.



فقط یک نظام واحد مبتنی بر تصویر وجود دارد. این تصویرها کاملاً به صورت رمز درآمدند تا امکان ثبت و انتقال اندیشه‌ها و آفرینش آثار هنری را برای مردم بومی فراهم آورند.



چپ، یک دیوارنگاره اثر نقاش معاصر مکزیکی، دسیدریو خوجیتیتوسین، برای ادارات دولتی واقع در تلاکسکالا، پایتخت یک ایالت مکزیکی به همین نام. این دیوارنگاره گروهی از اهالی تلاکسکالا را در حال نگاه کردن به یک دستنوشته در حوالی زمان کشف آمریکا توسط کریستف کلمب، نشان می‌دهد. بالا، یک دستنوشته مایایی (متعلق به قرنهای یازدهم - شانزدهم)، گلیم‌ها و طراحی‌ها روی باریکه کاغذی نقاشی شده که با الیاف درخت اماتل (نوعی انجیر جنگلی) ساخته شده است. این دستنوشته چندین متر طول دارد که به صورت فانوسی روی هم تا می‌خورند.



الگوی ازتک

تلاکوئیلوا (Tlacuiloa) اصطلاحی که در ناهواتل (Nahuatl)، زبان ازتک‌ها، برای مشخص کردن نظام سستی کتابت به کار می‌رود به معنای «نوشتن همراه با نقاشی» یا «نقاشی کردن همراه با نوشتن» است - یعنی آنکه نوشتن و نقاشی کردن در این مورد به یک فعالیت اطلاق می‌شود.

هرچند که پژوهش در زمینه رمزگشایی از نشانه‌گذاری ازتک هنوز در مراحل ابتدایی است، ولی می‌توانیم با اطمینان بگوییم که نظام کتابت ازتک، نظام دوگانه‌ای از طراحی (گلیم‌ها و تمثالها) است که از یک رسم تجسمی، نشأت می‌گیرد و بر اصوات ناهواتل مبتنی است.

بنابراین رمزبندی تصویرها در ابتدا به کمک اصوات صورت می‌گیرد؛ ترکیبهایی که با خطوط کلی‌نما مشخص شده‌اند صفحاتی را به وجود می‌آورند که دربرگیرنده رنگها هستند. این نمادها عناصر بنیادی فونتیک (هجاها) و عناصر معنایی زبان ناهواتل را به ثبت می‌رسانند.

کلمات، جملات و پاراگراف‌ها با استفاده از ترکیبی از این عناصر ساخته شده‌اند. ترکیب‌بندی تجسمی و فونتیک به وجود آمده توسط تلاکوئیلو (tlacuilo، «نویسنده - نقاش») «متون - مصور» را به وجود می‌آورد که در آن نظم و ترتیب خواندن آن ترکیبها و رنگها توسط نقاش و در داخل خود طرح نشان داده شده است.

در نظام تصویرنگارانه آمریکای مرکزی، برخلاف نظامهای مشابه دیگر، رنگ از عوامل مهم است. آنها تلفظ می‌شوند (زیرا هرکدام دارای یک ارزش فونتیک هستند) و هجاهای نامهایشان با دیگر عناصر ازجمله ترکیبهای خودشان، به هم آمیخته است. این امر به هیچ وجه ارزش نمایندگی و نمادین آنها را از میان نمی‌برد.

این «متون - مصور» پیش از آنکه مورد تفسیر قرار گیرند ابتدا باید به زبان ناهواتل خوانده شوند. برای این کار در نظام زبان ازتک، خواننده باید علاوه بر دانستن زبان، رمزهای حاکم بر ترکیبها، سطوح و رنگها را نیز بداند.

خوانکین گالارسا
(Joaquin Galarza)
اهل مکزیک و پژوهشگر
مرکز ملی فرانسه برای تحقیقات علمی
و وابسته به آزمایشگاه قوم‌شناسی
موزه انسان‌شناسی است.
از آثار انتشار یافته او پژوهشی است
درباره کتابت سنتی ازتک به زبان
ناهواتل (مکزیکوسیتی، ۱۹۸۸).

نوشته حسن مسعودی



در جهان اسلام،
که هنر بازنما
(شبهه‌سازی) در آن
حرام بوده است،
امکانات غنی
خط عربی سبب شد که
خوشنویسی به بالاترین
حد کمال خود برسد

بالا، یک ترکیب‌بندی اثر مصطفی راقم
متعلق به قرن سیزدهم هجری که
اکنون در موزه تویکایی استانبول
نگهداری می‌شود.

رفته‌رفته قواعد دقیقی شکل گرفت. وسیله نوشتن قلم بود، یعنی همان نی تراش‌خورده که هنوز هم مورد استفاده خوشنویسان است. تراشیدن قلم که خیلی اهمیت داشت به طرق مختلف صورت می‌گرفت. مرکب با دقت فراوان تهیه می‌شد و (مثل قلم) از اسرار کار بود.

آموزش نوشتن برعهده یک استاد بود که با طراحی حروف روی شن توسط انگشت انجام می‌گرفت. شاگردان از وی تقلید می‌کردند و بعد نوشته‌ها را از سطح شن پاک می‌کردند و نوشتن را از سر می‌گرفتند. بعدها لوحهای چوبی

ادبیات شفاهی در دوران پیش از اسلام در میان اعراب اهمیت فراوان داشت و شاعران حافظه قبیله خود بودند. پس از آن اعراب احساس کردند که نیاز به ثبت ماجراهای خود دارند و ابتدا به منزله کمکی برای یادآوری، فقط به استفاده از چند علامت اکتفا کردند. با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی، نوشتن اهمیت بیشتری کسب کرد، زیرا که به کلام خدا شکلی دیداری می‌داد. قرآن نخستین کتابی که به زبان عربی نوشته شده، نقشی کلیدی در تحول و تکامل خوشنویسی داشته است.

ضرب المثل عربی «گو یک سخن کفایت کند دو مگو» در اینجا توسط حسن مسعودی به یازده شیوه متفاوت نوشته شده است: دیوانی، فارسی، رقع، نسخ، ثلث، اجازه، مغربی، کوفی کتابی، کوفی گل و بته دار، کوفی تنیده و کوفی هندسی.

لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً
لَا تَنْفِقُ كَلِمَتَيْنِ إِذَا كُنْتَ كَلِمَةً

بود. بنابراین درحالی که خط کوفی عمدتاً برای نوشتن قرآن به کار می‌رفت، در هند و عراق دارای خصوصیات مشابه نبود، و همین‌طور در مصر یا اندلس.

خطاطی یادمانی (به‌صورت نقاشی روی مینا یا کهنه کاری بر چوب یا سنگ) تنوع بیشتری یافت و کم‌کم از دستخط فاصله گرفت تا به کلی ساختار اصلی‌اش را از دست داد. یکی از کهن‌ترین کتیبه‌ها بر سقف قبة الصخره در بیت المقدس است، که در آن حروف مطلای کوفی بر زمینه‌ای از رنگ آبی در طول دیوارهای کاشیکاری شده نقش بسته است: این اثر متعلق به قرن هفتم میلادی (قرن اول هجری) است. بعدها خطاطی روی یادمانهای مذهبی و غیرمذهبی رواج فراوان یافت.

خط کوفی در ابتدا ضخیم و زمخت بود. هنگامی که در معماری به کار گرفته شد ظرافت و شکوه یادمانی پیدا کرد. حروف کشیده‌تر و نازک‌تر و یادآور چشم‌انداز شهر با کتیبه‌ها و مناره‌ها شدند یا شکلهای هندسی و همراه با گل و گیاه درهم تنیده را به خود گرفتند. مثلاً خط کوفی چهارگوش، تماماً مرکب از خطوط منتهی به زوایای قائمه است که به آن سادگی و استحکام خاصی می‌دهد. کلمات از لحاظ شکل ساده‌تر هستند؛ حروف دیگر در یک خط به دنبال هم قرار نمی‌گیرند، بلکه در فضا حالت شناور دارند گویی که بی‌وزن هستند، یا به‌صورتی درهم تنیده در خطی مارپیچ و مورب پیرامون ساقه مناره‌ها امتداد می‌یابند.

هنری انتزاعی

خط که نه تنها در بناهای یادمانی بلکه در لباسها، ظروف و اثاثه خانه‌ها نیز به کار می‌رفت، عمده‌ترین شکل هنر دیداری در قلمرو اسلام بود - زیرا بازنمایی «اشیای ذی‌روح» مجاز نبود. کتابت به عمده‌ترین وسیله تزئینی مساجد، کاخها و مدارس تبدیل شد. تنها مورد استثنا کتابهای علمی و ادبی بود، اما حتی در اینجا هم بازنمایی پیکر انسان فاقد واقعگرایی، برجسته‌نمایی و عمق بود. به این ترتیب خوشنویسان از واژگان نقاشی کمک گرفتند و کلمات را برای القای نگارگری به کار بردند. این خوشنویسان بنا به ذوق و سلیقه خود متون دستنوشته‌شان را از معانی تازه سرشار کردند و به اصطلاح در «آیین خوشنویسی» به القای شور عرفانی خود پرداختند.

خوشنویسی در یادمانها تبدیل به وسیله‌ای برای تأمل شد. ترکیبات پیچیده هندسی که خط نگاره نامیده می‌شد به سادگی بسیار گرایید یا به کلی ناخوانا شد، مثل حرف نشانه عظیم واو بر دیوار مسجد جامع بورسه در ترکیه. خوشنویسی به این ترتیب تبدیل به یک شکل هنری انتزاعی و بیانگر احساسات خوشنویس شد که بیننده می‌تواند هرطور که بخواهد آن را تفسیر کند. خوشنویسی در دو جهت تحول پیدا کرد. نخست از لحاظ ترکیب حروف - رو به بالا، پایین یا به صورت خوابیده - که مستلزم دقت فراوان خوشنویس بود. این ترکیب به حسب اینکه در آغاز، وسط یا پایان کلمه قرار می‌گرفت تفاوت پیدا می‌کرد. حروف تقریباً همیشه به هم پیوند می‌خورند؛ و فضای مورد نیاز آنها با دقت تمام

صاف گل‌اندود شده به کار رفت. هر شاگرد چند خط می‌کشید و تا زمانی که آنها را به حافظه می‌سپرد نزد خود نگه می‌داشت.

در پایان قرن هفتم، زبان و خط عربی رسمیت یافت و مورد اقتباس دستگاههای حکومتی همه کشورهای اسلامی قرار گرفت. خط عربی به دو شکل عمده تحول پیدا کرد، یکی مدور و سیال به نام نسخ و دیگری زاویه‌دار و غیرسیال به نام کوفی. این دو سبک راه را برای شیوه‌های دیگر خوشنویسی هموار ساخت که تقریباً نام همه آنها از خاستگاه آنها گرفته شده است (مثل خط حیری که از شهر حیره برخاسته بود و حجازی که از حجاز و از این قبیل).

اعراب در قرن هشتم رموز ساختن کاغذ را از چینها فرا گرفتند، و این موجب گسترش متون مکتوب و رشد و تحول نگارش گردید. هر گوشه دورافتاده امپراتوری اسلام سبک خاص خود را داشت که بازتاب‌دهنده فرهنگ و ذوق همانجا

دانش‌آموزان در یک مکتب تعلیم قرآن، (افغانستان).



ترکیب حروف - رو به بالا، پایین یا به صورت خوابیده - که مستلزم دقت فراوان خوشنویس است. این ترکیب به حسب اینکه در آغاز، وسط یا پایان کلمه قرار می‌گرفت تفاوت پیدا می‌کرد. حروف همیشه به هم پیوند می‌خوردند؛ و فضای مورد نیاز آنها با دقت تمام اندازه‌گیری می‌شد.



خوشنویسان بود و به قول ابن حبیب حلبی خوشنویسی «شریف‌ترین پیشه، بهترین شعبه علم و پرسودترین حرفه زمان» بود.

هر خلیفه خوشنویس خاص و مورد اعتماد خود را داشت که گاهی حتی اداره امور خانواده خویش را به او وامی‌گذاشت. حتی خوشنویسی به نام ابن مقله (۲۷۲-۳۲۸) منصب وزارت یافت؛ هم او بود که خط کوفی را برای چنان دوران پر رونقی زمخت دانست و دست به ابداع خط مدور و سیال‌تر (نسخ) زد، و به آن ترکیبی هندسی داد تا برای کتابت قرآن شایستگی بیابد.

اصلاحات ابن مقله در قلمرو غربی اعراب دنبال نشد. خوشنویسان شمال آفریقا، از مصر تا اندلس، با ستهای هنری ساده‌تر خود، خط کوفی، از جمله خط کوفی مغربی را که بسیاری از شیوه‌های متفاوت خوشنویسی از آن مایه گرفت، کنار نگذاشتند.

پس از آن دو مکتب عمده خوشنویسی رواج یافت، یکی مکتب ابن بواب (قرن پنجم هجری) که اصلاحات ابن مقله را پذیرفت و دیگری مکتب مستعصمی (قرن هفتم هجری) که با تراش اریب نوک قلم، به حرکت آن ظرافت بیشتری داد.

در حدود سی زبان در کتابت، الفبای عربی را به کار می‌بردند. ایرانیان شیوه خاص خود را پدید آوردند و بسیاری شیوه‌های دیگر را تلطیف کردند. خوشنویسان عثمانی آخرین سلاله استادان خوشنویسی‌اند. امپراتوری عثمانی شاهد پیدایش اجازه بود که به دارنده آن حق تدریس خوشنویسی را اعطا می‌کرد. این تمهید موجب پرورش خوشنویسان بزرگی شد، مثل شیخ عماسی در قرن دهم هجری که در ترکیه عثمانی شیوه‌های گوناگونی را برای نوشتن مورد اقتباس قرار داد، و حافظ عثمان (قرن یازدهم هجری) که به خطاطی سادگی و خلوص و لطافت بخشید.

خوشنویسی معاصر امروز با رواج تلویزیون و روشهای مدرن تکثیر، بخشی از اهمیت وجودی خود را از دست داده است. اما باز هم در پی یافتن راهی نو است تا هنر کتابت را به پیش برد.



حرف خوشنویسی شده واو پر دیوار مسجد جامع بورسه در ترکیه.

اندازه‌گیری می‌شد.

دومین تحول به تخیل خوشنویس بستگی داشت. قواعد پذیرفته شده مانع نوآوری نبود. یک هنرمند پس از سالها ممارست در میراث اسلاف خود، عاقبت رشته کار را به ذوق خویش می‌سپرد و با عدول از آن قواعد بود که هنرش را تکامل می‌بخشید. ابراهیم صولی خوشنویس قرن چهارم هجری می‌گوید: «وقتی قلم سلطه می‌یابد هرآنچه را که جداست به هم می‌پیوندد و هرآنچه را که پیوسته است از هم جدا می‌سازد.»

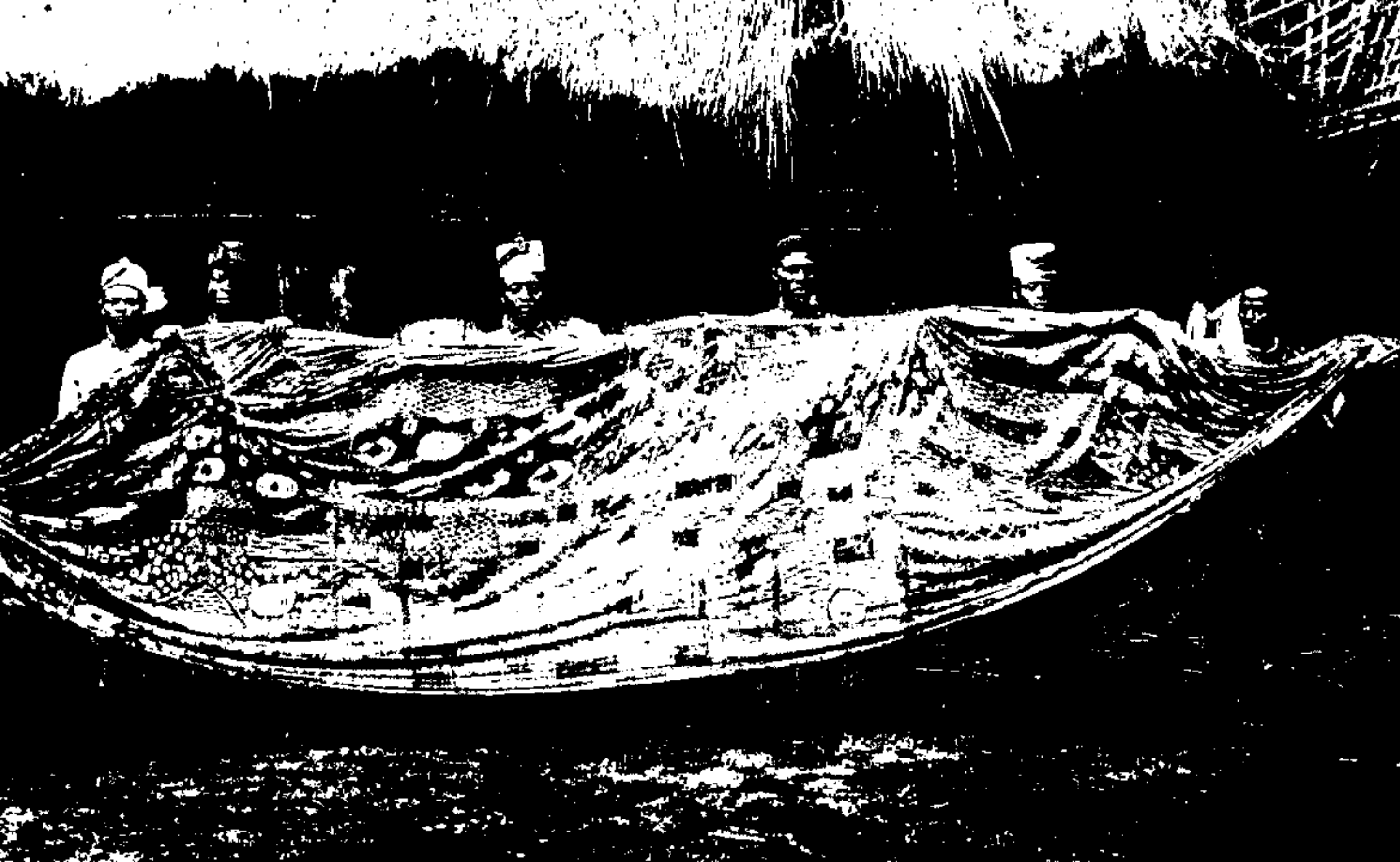
الفبایی برای سی زبان

در دوران خلافت مأمون عباسی رقابت بین خوشنویسان موجب پیدایش شیوه‌های خاصی شد. شیوه‌ای برای خلیفه، برای وزیران و برای پیام فرستادن به شاهزادگان. شیوه‌ای برای شعر، شیوه‌ای برای رسالات و پیمان‌نامه‌ها، شیوه‌ای برای امور مالی، دفاعی و غیره. دوران رونق شغلی

حسن مسعودی

حسن مسعودی

خوشنویس متولد عراق و نویسنده چندین اثر از جمله خوشنویسی عربی (فلاماریون، پاریس ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶) و خوشنویسی برای مبتدیان (پاریس، ۱۹۹۰)



سلطان نجویا اهل قومیان در
اونیفورم نظامی غربی در جلوی یک
لباس سلطنتی که توسط
رئیس تشریفات دربارش
به نمایش درآمده است (۱۹۰۸).

نوآوری و الهام

نوشته دیوید دالبی

ترکیب، ثبت گزارشها و بخصوص موارد ثبت شده ماجراهای عشقی جنجال آمیز. نمادهای نسیبیدی را می‌شد روی کدو قلیایی یا دیگر اشیای خانگی حک و روی دیوار، پارچه یا بر بدن انسان نقاش یا خالکوبی کرد. آنها به یک نوع زبان خاص مربوط نمی‌شوند بلکه در یک ناحیه چند زبانه میان سخنگویان زبانهای اکویی، ایگبو و اییبو وجود دارند.

بنا به یک افسانه عجیب قدیمی، رموز نسیبیدی توسط نوعی از میمونهای بابون بزرگ به نام ایدیوک به انسانها الهام شد. این افسانه پیش از هر چیز یادآور بابون خدای مرتبط با «توت» است که در مصر باستان خدای حامی کاتبان بوده است. این باورهای بسیار پراکنده در مورد همان یک حیوان بعید است صرفاً اتفاقی باشد، و همین ما را با دو امکان روبه‌رو می‌سازد. آیا این باور اصلاً مصری بوده و طی هزاران سال و با پیمودن هزاران کیلومتر به شرق نیجریه راه یافته است یا یک باور کهن و شایع در افریقای سیاه بوده و

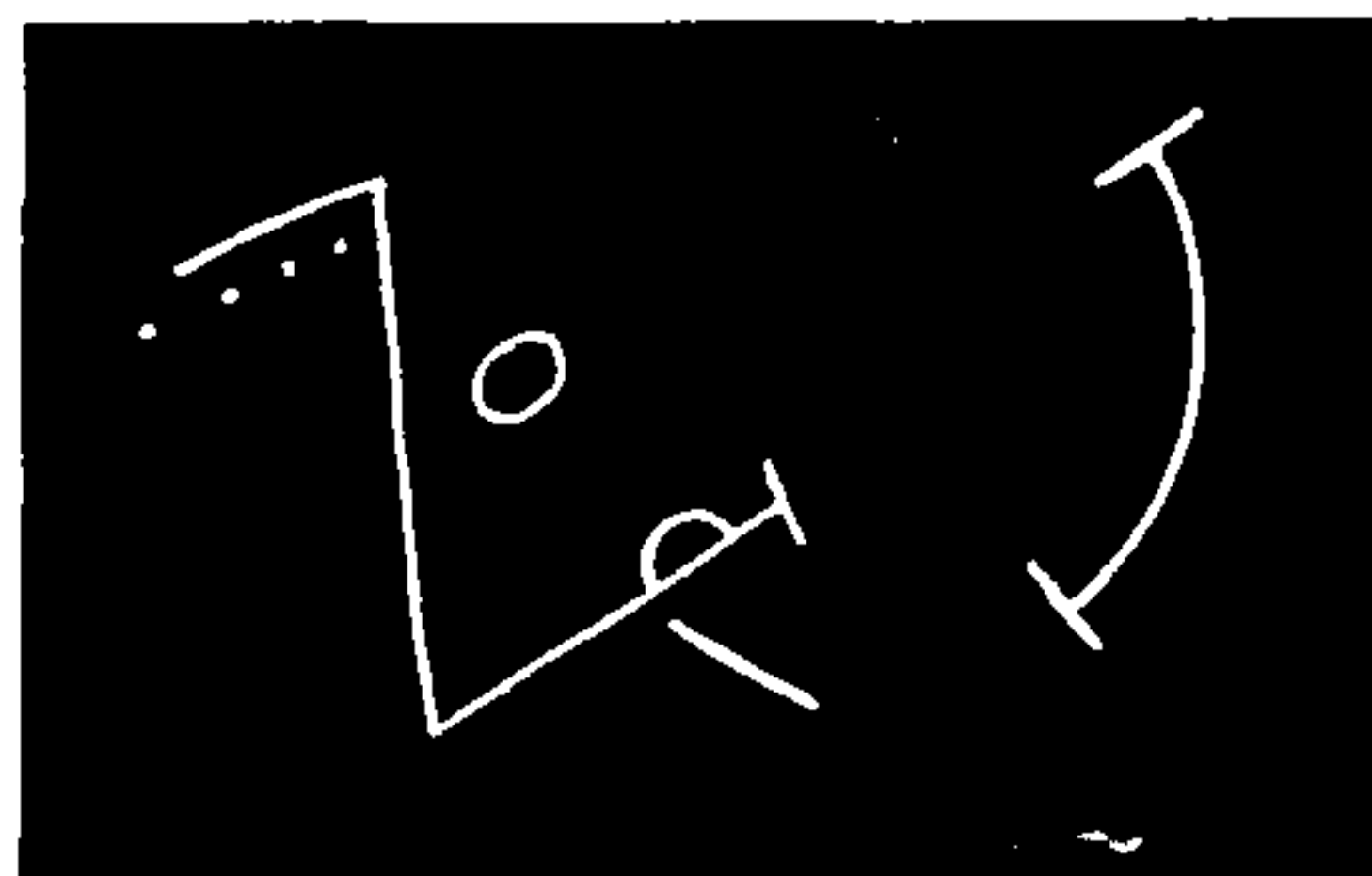
درحالی که تکامل نوشتار - بازنمایی خطی و بصری زبانهای شفاهی خاص - در حدود ۵۰۰۰ سال پیش آغاز شد، استفاده از نمادهای گرافیک برای نمایش اشیاء و اندیشه، و بازنمایی ارزشهای مذهبی و جادویی، تقریباً به قدمت کلام شفاهی است.

گاهی چنین گفته شده است که برخی از نمادهای سنتی افریقا، مثل آنهایی که توسط مردمان «آکان» زبان کشور غنا به کار می‌رود، از هیروگلیف‌های مصر باستان الهام گرفته است، یعنی از همان فوران شکوهمند نوشتاری که در شمال شرق افریقا رخ داد. اما احتمال بیشتر می‌رود که خود هیروگلیف‌ها نیز ۵۰۰۰ سال پیش تا حد زیادی از سنتهای کهن تر نمادگرایی گرافیک در خود افریقا، الهام گرفته باشند. درحالی که سنت دراز نوشتن ظاهراً در شمال و شرق صحرا و دره نیل وجود داشته است، در سمت جنوب ناحیه‌ای قرار دارد که فرهنگهایش عمدتاً با ادبیات شفاهی پیوند خورده‌اند. از طرف دیگر بخصوص در غرب افریقا، سنتهای قدرتمندی از نمادگرایی گرافیک و نیز نمونه‌های بسیاری از تحولات مدرن یا طراحی «نو» سیستمهای بومی نوشتاری، به چشم می‌خورد.

یکی از قابل توجه‌ترین نمونه‌های استفاده از نمادهای گرافیک در افریقا، نظام پیچیده تصویرنگارها و اندیشه‌نگارهایی است که به نسیبیدی (Nsibidi) یا نسیبیری شهرت دارد و از قدیم در ناحیه کراس ریور در جنوب نیجریه به کار می‌رفته است. این دستگاه از قرار، کاربردهای زیادی داشته است از جمله استفاده از نمادها به صورت

هیروگلیف‌های مصری
ممکن است از
سنتهای کهن تر افریقایی
الهام گرفته باشد

دیوید دالبی
اهل بریتانیا و سرپرست سابق
«مؤسسه بین‌المللی افریقا» و
استاد ممتاز زبانهای افریقایی
دانشگاه لندن. او هم‌اکنون سرپرست
آزمایشگاه زبان در کرسنویل،
فرانسه، است و در آنجا سرگرم
تدوین فهرست زبانهای مدرن جهان
به نام *The Key to the*
Logosphere است. آثار
منتشرشده وی عبارت‌اند از:
زبان و تاریخ در افریقا (۱۹۷۰)
نقشه زبانی افریقا (۱۹۷۷) و *افریقا و*
کلام مکتوب (۱۹۸۶) است.





የፍጥነት ምንጭ ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም
የሕዝብ ጥቅም ለሕዝብ ጥቅም

یک دعا به درگاه خداوند به زبان
«بامون» کشور کامرون در ۱۹۱۱.
این خط به «آ-کو-او-کو» شهرت دارد،
نامی که از چهار حرف اول آن
گرفته شده است.

شاهد تحقق اندیشه‌هایش باشد و یک دستگاه چاپ به کمک
مهرهای مسی دست ساز به وجود آورد و به تدوین متونی
درباره تاریخ و مراسم قلمرو سلطنتی‌اش بپردازد.

متأسفانه دستاوردهای نجویا با آغاز جنگ جهانی اول
متوقف ماند. مدارس نجویا که تحت سلطه آلمانها با تشویق
رو به رو بودند، توسط استعمارگران پس از جنگ بسته شدند و
او از شدت ناامیدی دستگاه چاپ خود را نابود کرد. در سال
۱۹۳۱ وی برکنار و تبعید شد و دو سال پس از آن درگذشت.

خط مقدس

سرگذشت روش نجویا این امکان را فراهم آورد تا نحوه
ظهور ناگهانی کتابت مصری را هم به همین شیوه نوآوری
یک فرد بدانیم که وقت و مقام لازم را برای پیشبرد کار داشته
و نتیجه کارش بدون هرگونه مخالفتی، مورد پذیرش ملتش
قرار گرفته است.

سند و مدرکی در دست نیست که نشان دهد نوشتار
هیروگلیفی در آغاز تحول بسیار داشته است، و وجود یک
مبتکر واحد را هم می‌توان از روی قدیمیترین شکل ثبت
شده آن توضیح داد که در آن مراحل متفاوت تکامل یک
نظام واحد نمایان است.

همان‌طور که در مورد نجویا می‌گویند که او به هیچ‌وجه
تحت تأثیر کاتبان عرب قرار نگرفته است، مبتکر مصری نیز
احتمالاً از یک نوآوری قدیمتر و کاملاً متفاوت با نظام
نگارش موجود در بین‌النهرین تأثیر پذیرفته است.

همچنانکه در مورد چندین نظام بومی نگارش در غرب
افریقا از سوی مبتکرانش ادعا شده که کارشان بر اثر الهام
آسمانی بوده است، در مورد کاتب مصری هم می‌توان چنین
فرض کرد، و این‌گونه منشأیابی مسلماً جزو اعتقادات سنتی
تاریخ کاتبان بوده است. طبیعت مقدس و الهام‌یافته شیوه
نوشتار مصری، آن را در طول هزاران سال از هرگونه
تجدید ساختار انقلابی مصون نگاه داشته و استفاده از آن را
حتی برای یک جمع برگزیده نیز محدود کرده است. ■

همراه نمادهای سنتی گرافیک - که عنصر حیاتی در وضوح
نخستین هیروگلیف‌های تصویرنگارانه بوده - به مصر رفته
است؟

رؤیای سلطان نجویا

در فاصله کوتاهی از ناحیه سنتی نسیبیدی در شرق، در مرز
کامرون آلمان، در حدود یک قرن پیش، واقعه فرهنگی مهمی
اتفاق افتاد. این واقعه، پیدایش متریانه نظام مستقل و اصیلی
از نگارش در زبان «باموم» است که توسط سلطان نجویا اهل
فومبان صورت گرفت.

نجویا، در این مورد نیز مثل بسیاری از نوآوران نظامهای
نگارش افریقا، از یک رؤیا الهام گرفت، و پس از آن از اتباع
سرزمین خود خواست تا اشیای مختلف را طراحی و
نامگذاری کنند. او با برخورداری از این نتایج، به تجربه
خویش ادامه داد تا توانست نخستین نظام نگارش خویش را
به وجود آورد که محتوی حدود ۴۶۶ نماد تصویرنگار و
اندیشه‌نگار است. چهل سال تجربه و پیشرفت او را به‌سوی
استفاده از نظام هجایی نهایی‌اش هدایت کرد، که به نام
نخستین چهار حرف از هشتاد حرفش نامگذاری شد: آ-کو-
او-کو.

سلطان نجویا بدون شک یک نابغه بود، اما در واقع مقام
سلطنتی وی به او این فرصت را داد که با تأسیس مدارسی که
در آنها اتباعش به فراگیری خواندن و نوشتن می‌پرداختند



صفحه مقابل، نخستین بخش این
دو نماد، نمایانگر نام «نسیبیدی»،
دستگاهی از نمادهای گرافیک است که
به‌طور سنتی در بخش جنوب شرقی
نیجریه به کار می‌رفت. دومین بخش
نمایانگر یک «ایدیوک»، یکی از انواع
بابون‌های بزرگ است که از قرار معلوم
الهام‌بخش راز «نسیبیدی» به انسانها
بوده است.

این مجسمه مصری نیم‌توف، کاهن،
دبیر و کاتب امنوفیس سوم
(حدود ۱۴۰۰ قبل از میلاد) را نشان
می‌دهد که متواضعانه در پای «توت»
خداوند کتابت که سری «بابون» وار دارد،
نشسته است.



خط ترکیبی ژاپنی

نوشته شیرو نودا

سرشت ترکیبی خط ژاپنی عاملی کمکی برای تأثیرگذاری و انعطاف بیشتر است

نوشتار چینی از طریق متون بودایی به ژاپن راه یافته بود. علائم کلمه‌ای کانجی مشتق از نوشتار چینی است که در آن زمان حق انحصاری طبقه روشنفکر بود. این شیوه نوشتار توسط مقامات کشوری، در دربار سلطنتی و توسط کاهنان بودایی برای خواندن و ثبت اسناد مذهبی به کار می‌رفت. عامه مردم از آن استفاده نمی‌کردند.

نشانه گذاری چینی به‌رغم مفید بودنش یک عیب عمده داشت که معلول تفاوت بنیانی ساختار نحوی این دو زبان

گرچه محققان درباره منشأ زبان ژاپنی هنوز توافق کامل ندارند، ولی درمورد منشأ نظام نشانه گذاری آن نقطه ابهامی وجود ندارد.

نظام نشانه گذاری فعلی ژاپنی، آمیزه‌ای است از چهار شکل متفاوت: ۱) کانجی (علائم اندیشه‌نگار)؛ ۲) هیراگانا و ۳) کاتاگانا (هجانگارها)؛ و ۴) رومن (آوانگارها).

در این مورد اتفاق نظر هست که نوشتار ژاپنی به قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد، به دورانی که پیش از آن

«نشانه شادکامی» روی یک یانل چوبی.

www.ketabi.ir

شیرو نودا

مورخ و زبان‌شناس ژاپنی که درحال حاضر استاد بخش ژاپنی «مؤسسه ملی زبانها و تمدنهای شرقی» در پاریس است. مقاله این شماره، خلاصه شده یک پژوهش مفصل‌تر است.

بود. اندیشه‌نگارهای چینی باید با زبان ژاپنی تطبیق می‌یافت تا قابل خواندن باشد. برای این مقصود نوعی نظام خواندن ابداع شد. این نظام «کائرتین» (نشان ارجاع) نامیده می‌شد، علائم اشاره‌ای که در سمت چپ حروف چینی گذاشته می‌شد تا نظم و ترتیبی را که خط می‌بایست به آن صورت خوانده می‌شد نشان دهد. اما کانجی سخت‌تر از آن بود که آن را بتوان در زبان روزمره به کار برد، و یک جمله ژاپنی نوشته شده به کانجی خیلی غیرطبیعی به نظر می‌آمد.

صوت حروف

تا آغاز دوره هیان (اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم) وضعیت زبانی در ژاپن چنین بود، تا اینکه بانوان دربار نوعی هجانگاری شکسته به نام هیراگانا را ابداع کردند که مرکب از نشانه‌هایی برگرفته از حروف چینی بود که به میزان قابل توجهی به شیوه ژاپنی ساده شده و ترکیب نو یافته بود. این واقعه در تحول زبان ژاپنی بسیار با اهمیت بود، زیرا ابداع هیراگانا صرفاً یک دگرگونی مورفولوژیک از حروف چینی نبود. یک کانجی، مثل هر اندیشه‌نگار می‌توانست بیانگر یک اندیشه، یک مفهوم یا یک تصور باشد، اما هیراگانا بُعد نوینی به خط ژاپنی افزود که ثبت آوایی کلمات به‌صورتی مجزا از نظام اندیشه‌نگار بود.

امتیاز بزرگی که هیراگانا بر کانجی داشت این بود که به زبان ژاپنی امکان می‌داد تا بتواند به زبان روزمره درباره زندگی روزمره بنویسد. ابداع هیراگانا موجب پیدایش یک ادبیات صد درصد ژاپنی گردید، که معروفترین نمونه آن حکایت گنجی است که در آغاز قرن یازدهم توسط یک بانوی درباری به نام مورا ساکی شیکیو نگارش یافت.

در همان زمان، در اواخر قرن هشتم، سومین نوع نوشتن (کاتاکانا) توسط راهبان بودایی ابداع شد تا «سوترا»ها آسانتر خوانده شود و آیین بودا در میان دهقانان اشاعه پیدا کند. کاتاکانا از همان اصل ساده کردن حروف چینی به تناسب



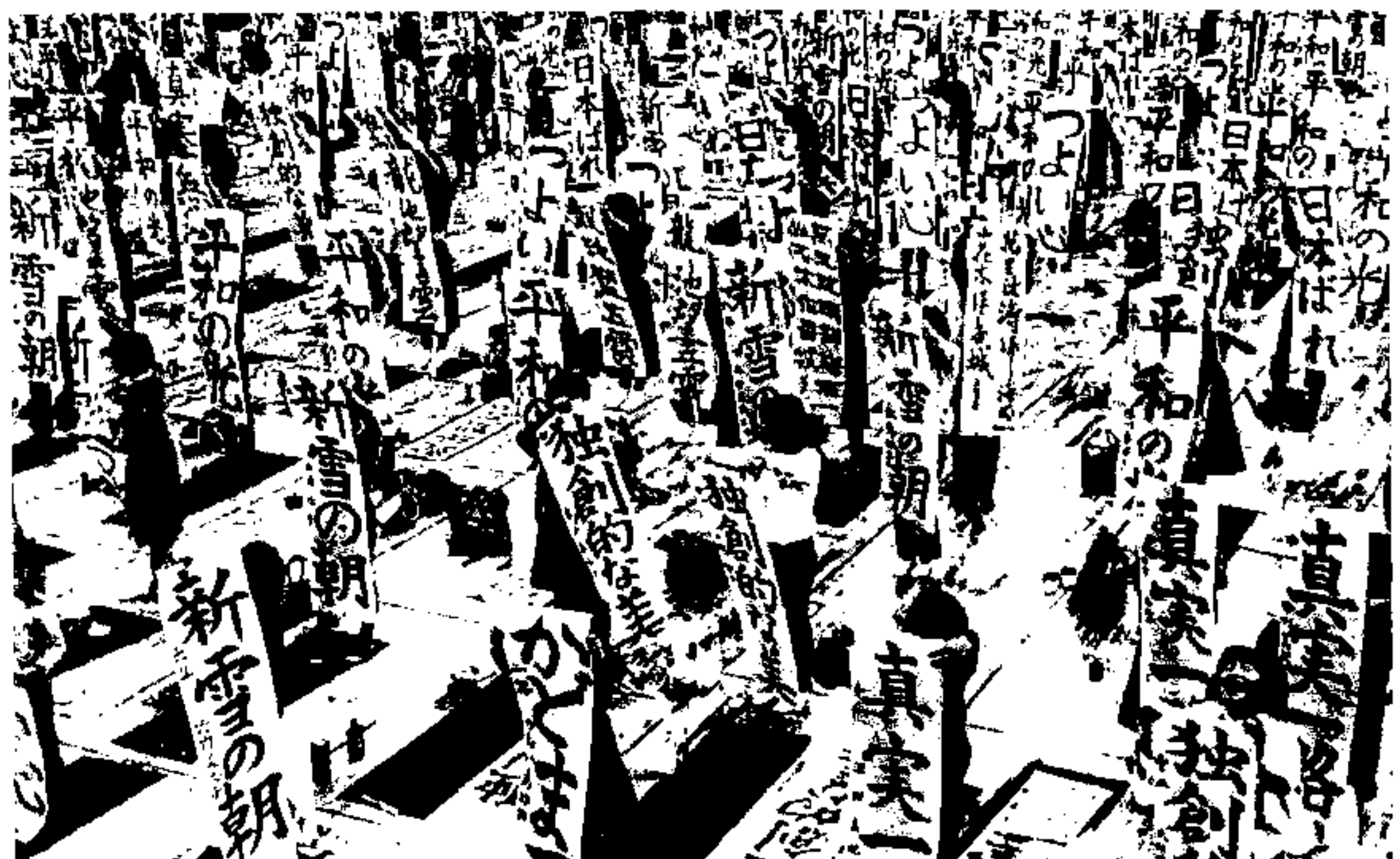
تصویری از توفو اونو، خوشنویس ژاپنی، از دید «راجو» نقاش قرن دوازدهم.

ملاحظات آوایی آنها پیروی کرد. امروزه کاتاکانا عمدتاً برای آوانویسی کلماتی که از زبانهای دیگر اخذ می‌شود نیز کاربرد دارد.

سادگی

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا ژاپنی‌ها یکی دیگر از نظامهای نوشتاری (هیراگانا، کاتاکانا یا رومن) را که خواندن متون ژاپنی را آسانتر می‌سازد مورد اقتباس قرار ندادند و به ترکیبی از این چهار شکل پرداخته‌اند. پاسخ ساده است. نظامهای مربوط به نمایش آوایی زبان ژاپنی مستلزم روی آوردن به یک نظام خطی است که فرایند خواندن را کندتر سازد و به همان قیاس درک متن را به تعویق بیندازد، درحالی که جهانی بودن علائم اندیشه‌نگار به معنای آن است که پس از آنکه یکبار به حافظه سپرده شد به محض دیدن شناخته و درک می‌شود. ولی تناقض در اینجا است که نتیجه استفاده از این چهار نوع نوشتن درهم ادغام شده، افزایش تأثیر و انعطاف‌پذیری شیوه نوشتن ژاپنی است. پیچیدگی این نظام در واقع نقش یک عامل ساده‌کننده را دارد.

همه‌ساله در شب سال نو یک مسابقه خوشنویسی بین مدارس برپا می‌گردد.



قدرت قلم

نوشته هانری - ژان مارتن

کلام مکتوب همیشه با قدرت، ارتباطی نزدیک داشته است. اما سواد نقطه حرکت برای دستیابی به آزادی عقلانی و وسیله اعمال قدرت و عاملی مهم در انقلابهای بزرگ تاریخ دنیا بوده است.

حال نوشتار در خاورمیانه به دلیل کاربرد تجاری، کم کم ساده تر شد و عاقبت راه را برای پیدایش نظامهای الفبایی هموار ساخت.

به موازات این تحولات، کسانی که نوشتن می دانستند به قدرت فوق العاده اجتماعی دست یافتند و در بعضی نقاط جهان، نوشتن در انحصار کشیشان باقی ماند، در حالی که در جاهای دیگر، مثلاً در گُل باستان، کشیشان حاضر نشدند رموز کار خود را به صورت نوشته در آورند. بنابر یک قانون کلی، امتیاز نوشتن مدتها در انحصار کاتبان باقی ماند، و این وضع در جاهایی برقرار بود که همچون بین النهرین، مصر و چین با هم فاصله بسیار داشتند.

مجوزی برای قدرت

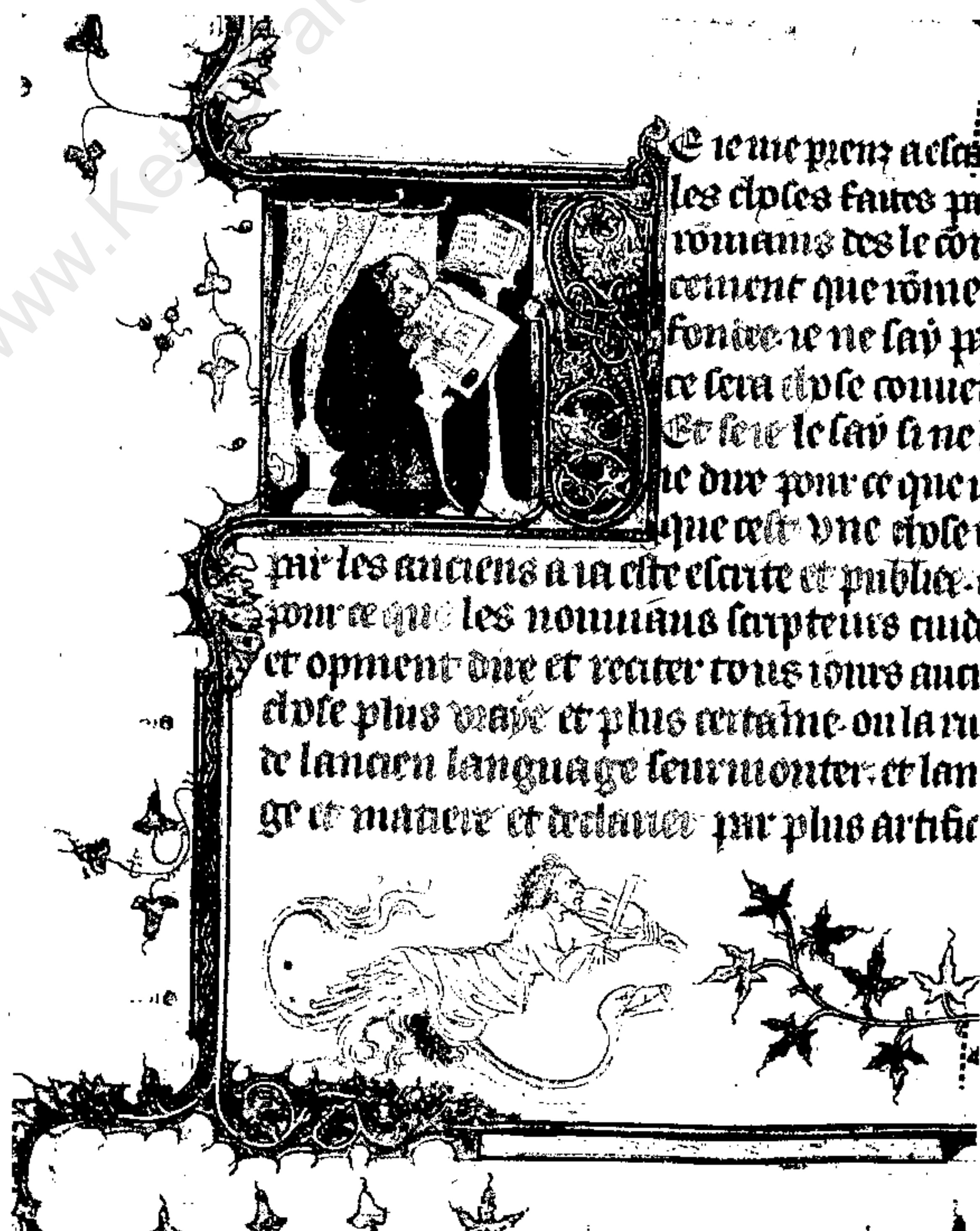
کاتبان با تسلطی که بر حافظه جمعی اجتماع داشتند و با مسئولیتی که برای تدوین قوانین پیدا کرده بودند، موقعیت خود را به عنوان مشاوران عالی مقام و صاحب نفوذ و به عنوان قاضیان مقتدر در میان مردم جا انداختند و غالباً سهمی از ثروت آنان و مالیاتهایی را که گرد می آوردند، از آن خود می ساختند. در چنین اوضاعی رومیان، خسته از این گونه داوری و اطاعت از قوانینی که اطلاعی از آنها نداشتند، وقتی خواندن و نوشتن را فرا گرفتند، تقاضا کردند تا قوانین به روی صفحات چوبی نوشته شود و در کاپیتول به نمایش در آید.

در زمان هجوم اقوام وحشی به غرب اروپا، فرهنگ مکتوب به صومعه ها، جایی که نگران حفظ متون مقدس و مذهبی بودند، پناه برد. بعدها، پس از شکل گیری دوباره اروپا، نوشتن یک بار دیگر در شهرهای تازه بنیاد سر برآورد، و صاحب منصبان فتودالی که قدرتش را به زور تحمیل کرده بودند، دست به سوی منشیانی دراز کردند که در جوامع نوبنیان اروپای غربی، به عنوان متخصصان کلام مکتوب موقعیت ممتازی برای خود به دست آورده بودند.

در کاخهای شاهزادگان عهد رنسانس، منشی یا مشاور حضور نقشی بسیار با اهمیت یافت، و بسیاری از بشردوستان

شاید هرگز نتوانیم پی ببریم که چه چیز منجر به پیدایش نوشتار در زمانها و مکانهای مختلف گردید. در خاور دور، نخستین نمونه ها به منظور تسهیل ارتباط با خدا ابداع شد، حال آنکه در خاورمیانه عمده ترین فایده نوشتار برای محاسبه بود. در مرحله بعدی نوشتن برای ثبت قوانین جاری و حکایات سنتی برای آیندگان به کار رفت، در عین

در جزئی از یک نسخه دستنویس متعلق به سال ۱۳۷۰ که زمانی در کتابخانه امپراتور چارلز پنجم نگهداری می شد، راهب نسخه پردازی دیده می شود.





در مصر فراغنه خط هیروگلیف
(«کلام خدایان») روی دیوار معابد و
گنبد‌ها، مجسمه‌ها، اشیای مدفون شده
و اجناس عادی زندگی روزمره،
به کار می‌رفت. این طراحی‌های زیبا
هم دیدنی بودند و هم خواندنی.
بالا، ماکت یک «هرم» در موزه قاهره.

اما این تحولات همیشگی یا گریزناپذیر نبودند. امروز
هنوز هم نظامهای نوشتاری وجود دارند که با زبان گفتاری
رابطه انعطاف‌پذیرتری دارند، نظامهایی که محصول ترکیبی
از عوامل هستند — مثل ساختار زبان، ویژگی درونی هر ملت
و تأثیرپذیری‌هایی که در طول تاریخ داشته است. علاوه بر این
نحوه ارائه اسناد حداقل در غرب، هماهنگ با تغییرات
جامعه و با رابطه پیچیده جامعه با کلام مکتوب و شفاهی،
به‌طور مداوم تحول یافته است.

مثلاً طومارهایی که سخنان سیزون بر آن ثبت شده،
محتوی متنی پیوسته است بی آنکه بین کلمات یا پاراگراف‌ها
فاصله‌ای باشد؛ مقصود از ثبت آن تنها این بود که با صدای
بلند خوانده و از طریق شنیدن درک شوند. از قرن یازدهم به
بعد بود که نسخه‌پردازان کم‌کم عادت کردند تا کلمات را
منظماً از هم جدا کنند. سوما تئولوگیکای (مدخل الهیات
Summa Theologiae) اثر توماس آکویناس قدیس مرکب از
صفحات متراکم و همراه با انبوهی از اختصارات و نشانه‌های
رنگین در بین فواصل است؛ این نوشته که براساس یک
مباحثه شفاهی تدوین یافته، به مقالاتی تقسیم شده است که
مطابق با الگوی مرسوم برای حفظ خط استدلال، به مباحثی
از جزئیات گرفته تا کلیات می‌پردازد.

humanists) حوزه پایی، فلورانس یا دیگر نمایندگیها، از
میان آدمهای دانش‌آموخته‌ای که مسئول تهیه اسناد
دیپلماتیک، قانونی یا اداری بودند، جذب شدند.
مثلاً در فرانسه، این اشخاص که به ادارات راه یافته بودند
نشر اجتماعی جدیدی را به وجود آوردند و موجب پیدایش
نجبای جدیدی شدند که با موفقیت کوشیدند تا سهمی بزرگ
از قدرت و ثروت دولت را به خود اختصاص دهند.

قانون کلام

به این ترتیب نوشتن تبدیل به وسیله اعمال حکومت و قدرت،
توسط نخبگان شد. همزمان، منطق خود را نیز به مردمانی که
از آن استفاده می‌کردند، قبولاند. در عمل و به مرور زمان
نوشتار از طریق ثبت آداب و رسوم توانست آنها را از تحول
خودجوش به صورت یک محصول وجدان جمعی، چنانکه
سنت شفاهی اجازه چنین کاری را می‌داد، بازدارد. به
این ترتیب رفته‌رفته جامعه را تابع قانون ساخت. قانون به سهم
خود، دارای مؤلف و تاریخ و بنا به تعریف به صورت مکتوب
و مقید به آن بود، اما ناگزیر به مرور زمان، تماس خود را با
نیازهای متغیر جامعه از دست می‌داد و مشکلات بی‌انتهای
تفسیر قانون را پیش می‌آورد.

هانری - ژان مارتین
مختص آرشیو و کتیبه‌شناس
فرانسوی که اکنون رئیس
مدرسه مطالعات عالی پاریس و
استاد ممتاز مدرسه ملی دشارت
(پاریس) است. وی مؤلف تعدادی از
پژوهشهای تاریخی و جامعه‌شناختی
است و تا به حال جوایز بسیاری را
نصیب خود ساخته است.



یک مدرسه اسلامی در
دارالعلوم دئوبند، نزدیک اوتاریادش
(هند).

ابتدا از این باور گسترده که بر آن است که بعضی انواع نوشتن
بیش از دیگران کاربرد دارند، رها شویم. اکنون این نکته
پذیرش عام یافته است که سواد بیش از هر چیز پاسخگوی نیاز
به محدودیت زدایی ذهنی و ارتباط با جهان خارج است. فهم
یک متن فقط بستگی به فن کار ندارد؛ بلکه مستلزم این نیز
هست که خوانندگان ذهنیت و آن گنجینه لازم از مفاهیمی را
داشته باشند که توان ایجاد ارتباط متقابل شخصی با متن
مورد نظر را به آنان می دهد.

یکی از پیامدهای عمده پیدایش نوشتار، تقسیم مردم
برحسب قابلیت آنها در استفاده از کلام مکتوب بود. به طور
کلی در بسیاری از جوامع تقریباً ضرورت یافت که همه اگر
نمی توانند بنویسند حداقل بتوانند بخوانند تا قادر باشند متون
قانونی یا مذهبی را فراگیرند و رمزگشایی کنند. مقامات
مذهبی یا کشوری معتقد بودند که مهمتر از هر چیز آموختن
مبادی خواندن است، یعنی شکل دسترسی متعلاتنه به کلام
مکتوب. مثلاً در اروپا، ابتدا به کودکان آموخته می شد تا
حروف را تشخیص دهند و دعاها را لاتینی را درک و تفسیر
کنند، و نوشتن غالباً به بعد مکتوب می شد و اختیاری بود. این
روش که عمدتاً در مورد دختران (که به قول یکی از
شخصیتهای نمایشنامه های مولیر، نمی بایست نوشتن را یاد
می گرفتند تا مبادا با عاشقان خود مکاتبه کنند) به کار می رفت،
اقتدار اجتماعی نیمه باسوادی را به وجود می آورد که
می توانستند فقط از طریق خواندن دسته جمعی با متون آشنایی
پیدا کنند. به دلایل مشابه، ظاهراً تا مدت ها خواندن با صدای
بلند، بخصوص در مورد داستان خواندن زنان، مرسوم بوده

بعدها، با اختراع چاپ، استفاده از پاراگراف به آن
صورت که اکنون می شناسیم عمومیت یافت و با قواصلی
همراه شد که هم به چشم و ذهن خواننده فرصت استراحت
می داد و هم به هضم آنچه خوانده شده بود کمک می کرد.
مسئلاً تصادفی نیست که گفتار در روش [به کار بردن عقل]
نوشته دکارت (۱۶۳۷) نخستین اثر فلسفی فرانسوی بود که به
شیوه جدید حروفچینی شد.

به دلیل همین روشهای ارائه مطالب به صورت چاپی،
زبان گفتار و آثار مکتوب - که اکنون می بایست خواننده
می شد و نه بر زبان می آمد یا شنیده می شد - در جهان غرب
رفته رفته هرچه بیشتر از هم جدا شد. این تحول احتمالاً از
قرن نوزدهم و ظهور و گسترش آگهیهای تبلیغاتی موجب
بازگشت به تصویر شد. این گرایش روزنامه ها را هم
تحت تأثیر قرار داد، زیرا آنها را مجبور کرد تا برای افزایش
تیراژ نوعی صفحه آرای را برای جلب دقت بیشتر به کار برند
تا بیشترین اطلاعات و احساسات را در کمترین زمان ممکن
انتقال دهند.

تفرقه بینداز و حکومت کن

برای درک مشکلات ناشی از دستیابی به هدف نوشتن، باید

کسانی که توانایی نوشتن داشتند با تسلط بر حافظه جمعی و برعهده گرفتن

مسئولیت تدوین قوانین، موقعیت خود را به عنوان مشاوران و قاضیان

همنوعان خود تحکیم کردند.



یک دانشکده برای دهقانان در
لنینگراد، در ۱۹۱۸.

است؛ اما تأثیر این تکنولوژیها برعکس تأثیر خواندن، موجب شده است که بر اهمیت احساس و تبلیغات بیشتر افزوده شود تا رویکرد منطقی و تفکر فردی.

تحول درازمدت نوشتار در غرب، از ابداع نخستین خط‌نگاره‌ها یا اندیشه‌نگارها تا ضبط کامل کلام توسط علائم آوایی، به موازات تحولی در روح منطقی و تحلیلی صورت گرفته است، تحولی که متن مکتوب را به خاطر پایداری و ثباتش، بر کلام شفاهی ناپایدار رجحان داده است. نوشتن در عین حال که وسیله‌ای در دست قدرت است، این توانایی را نیز دارد که ذهن را آزاد سازد و آن را تبدیل به وسیله‌ای کند برای رهایی از چنگ قدرت حاکم.

یکی از پیامدهای عمده پیدایش نوشتار تقسیم مردم برحسب قابلیت آنها در استفاده از کلام مکتوب بود.



جوانان در یک مدرسه در آنتیکوم یا تا،
گینه فرانسه، پیش از آنکه
تحصیلات خود را در مدارس فرانسوی
ادامه دهند، ابتدا خواندن و نوشتن را
به زبان «دایانا» زبان مادریشان
می‌آموزند.

است. فقط آنهایی که به طبقات حاکم تعلق داشتند و آنهایی که به تحصیل در کالج و دانشگاهها می‌پرداختند قادر بودند که در سکوت و پیش خود کتاب بخوانند.

به این ترتیب جوامع غربی تا مدتهای مدید فقط به‌طور ناقص باسواد بودند؛ بعضی، البته با اندکی اغراق، مدعی شده‌اند که انقلابهای بزرگ زمانی رخ داد که بیش از نیمی از جمعیت جوامع باسواد شدند. این نکته را نیز باید به یاد داشت که در طول تاریخ خط فاصل مشخصی بین فرهنگ مکتوب و سنت شفاهی وجود نداشته است. جنبشهای توده‌ای عظیم، مثل جنبشهای بدعت‌گذارانه قرون وسطا، اصلاحات مذهبی در قرن شانزدهم، و انقلابهای سیاسی - انگلستان در قرن هفدهم، فرانسه در اواخر قرن هجدهم، روسیه در آغاز قرن بیستم - بیشترشان از تصویرها، آوازاها و کلام شفاهی الهام و انگیزه می‌گرفتند تا کلام مکتوب.

مردم قرون وسطا مذهب خود را از طریق نقاشیهای روی دیوارهای کلیسا فرا می‌گرفتند. حتی امروز هم فقط کافی است به جاهایی در بعضی نقاط دنیا بیندیشیم که وعظ و مراسم مذهبی در فضای باز برپا می‌شود؛ آوازاها و حکایات پندآموز در محلهای کار یا کنار آتش خوانده و نقل می‌شود؛ یا به تماسهای فراوان بین باسوادها و مردم «تحصیل‌کرده» یا اهمیت افراد خودآموخته‌ای فکر کنیم که غالباً نقش میانجی را بازی می‌کنند. از همین راهها بود که نظریات کسانی چون ولتر یا روسو به گوش توده‌های انقلابی رسید که می‌گفتند از این متفکران الهام گرفته‌اند بدون آنکه کتابهایشان را خوانده باشند.

در نهایت اینکه، طی یکصد سال گذشته، رسانه‌های ارتباطی نوین کلام ضبط شده و تصویر متحرک را ارائه کرده

برای مطالعه بیشتر

Forgotten Scripts: their ongoing discovery and decipherment

(revised and enlarged edition),
by Cyrus H. Gordon. New York, Dorset
Press, 1987, 226 pp.

Voices in Stone: the decipherment of ancient scripts and writings

by Ernst Doblhofer (trans. Mervyn Savill).
Bungay, Suffolk, U.K., Souvenir Press,
1961, 327 pp.

Writing Systems: a linguistic introduction

by Geoffrey Sampson. Stanford, California,
Stanford University Press, 1985, 234 pp.

Writing: the story of alphabets and scripts

by Georges Jean (trans. Jenny Oates).
London, New Horizons collection, Thames &
Hudson, 1992, 207 pp.

A History of Writing

(revised edition),
by Albertine Gaur. New York, Cross River
Press, 1992, 236 pp.

Reading the Past: ancient writing from cuneiform to the alphabet

introd. by J.T. Hooker. Berkeley/London,
University of California Press/British
Museum, 1990, 384 pp.

The Art of Writing.

An exhibition in fifty panels
Paris, UNESCO, 1965 102 pp. (out of print)

The Study of Writing

(revised edition)
by Ignace J. Gelb. Chicago, University of
Chicago Press, 1963, 295 pp.

La grande invention de l'écriture et son évolution

by Marcel Cohen. Paris, Imprimerie
Nationale, 1958, 2 vols.

Naissance de l'écriture: cunéiforme et hiéroglyphes

by B. André and C. Ziegler. Paris, Réunion
des Musées Nationaux, 1982, 383 pp.

Massoudy Calligraphe

a video film on the art and technique of
Arab calligraphy (1995). 27 minutes.
190 French francs from Oroleis de Paris,
23 rue Dagorno, 75012 Paris.

تعریف بعضی اصطلاحات

هیروگلیفی (HIEROGLYPHIC): خط تصویری یا تجسمی مصری که در هزاره چهارم پیش از میلاد به کار می رفت و در آن هر هیروگلیف یا نشانه (از میان تقریباً ۷۰۰ نشانه) نمایانگر یک شیء بود. اندیشه نگارها نیز بعضی اندیشه ها و «صوت نشانه» ها بعضی اصوات را القاء می کردند. موفقیت آمیزترین کاربرد هیروگلیف ها (از لحاظ لغوی به معنای «خط خداوندان») در ایجاد کتیبه های یادمانی بود.

شبییه (ICON): نشانه ای که به تقلید ظاهر شیء مورد نظر می پردازد، مثل طراحی یک خانه برای نمایش یک خانه.

اندیشه نگار (IDEOGRAM): بازنمایی یک پیام یا یک اندیشه از طریق طراحیها که گاهی حالت نمادین دارد و گاهی طرح کلی است. چندین نوع خط اندیشه نگار را تاکنون شناخته ایم از جمله خط میخی، هیروگلیف مصری و چینی.

واج (PHONEME): یک واحد گفتار (واکه یا همخوان).

آوانگاره (PHONOGRAM): نشانه یا بخشی از نشانه ای که نمایانگر یک کلمه، یک هجا، یا یک واج است. مبنای خط الفبایی که نشانه های آن صرفاً نمایانگر آواها هستند.

تصویرنگاره (PICTOGRAM): عنصری در خط که یک شیء را از طریق نشانه ها یا نمادهای ساده شده باز می نماید. هر تصویرنگاره کاربرد خاصی دارد، اما یک اندیشه انتزاعی را می توان از طریق آمیختن چند تا از آنها بیان کرد. نخستین مرحله تکامل خط.

الفبا، نظامی از نشانه ها که بیانگر صداهای اساسی یک زبان است. برخلاف خطهایی که دارای ریشه تصویری نگارانه اند - مثل خط میخی یا هیروگلیف - و بر تعدادی از نمادهای ساده شده مبتنی هستند، الفبا، حداقل، صداهای صامت را، از طریق تعداد اندکی از نمادهای ساده شده، بازآفرینی می کند. الفبای ۲۲ حرفی فنیقی، پس از یک فرایند طولانی، در حدود ۱۱۰۰ پیش از میلاد شکل گرفت و بعدها در بسیاری از شهرهای حاشیه دریای مدیترانه، رواج یافت. یونانیان در حوالی قرن هشتم قبل از میلاد، از این الفبا اقتباس کردند و با افزودن حروفی برای واکه ها (مصوت ها)، نخستین الفبای کامل جهان را به وجود آوردند.

قلم (CALAMUS): نی تراش خورده نوک تیز یا پخ شده ای که برای خوشنویسی به کار می رود.

خوش نوشته (CALLIGRAM): متنی معمولاً شاعرانه، که به صورت یک اثر تزئینی و هنری تنظیم شده است.

متون (CODEX): مجموعه ورقه های پوستی که به صورت کتاب یا متن صحافی می شد و نخستین بار در قرن اول میلادی در روم پدیدار گشت. این متنها جای طومارهای پاپیروس را که حمل و نقلشان سخت بود گرفت. اسناد طولانی بسیاری را می شد در این شکل از نوشتار بازآفرینی کرد.

خط میخی (CUNEIFORM): خط میخی که نخستین بار بین ۴۰۰۰ و ۳۰۰۰ قبل از میلاد در بین النهرین پدیدار شد، شاید کهن ترین خط دنیا باشد. نشانه های آن (در حدود ۵۵۰ عدد که ناشی از از جابه جایی ۴ عنصر بنیانی بود) که در اصل تصویرنگارانه بود کم کم ارزش هجایی یافت و به «واج» ها و نیز اشیاء تشخیص داد. این فرایند که همراه با کاهش تعداد نشانه ها و ساده شدن شکل آنها بود عاقبت منجر به آفرینش نخستین الفبا در فنیقیه شد.

گلیف (GLYPH): نشانه ای نوشتاری که در بعضی تمدنها مثل تمدن پیش کلمبیایی، بر موادی چون سنگ نقر یا حک می شد.

منابع

Le grand atlas des littératures

Encyclopaedia Universalis, Paris 1990. *Nouvelle*

Encyclopédie Bordas, Paris, 1988.

Webster's Third New International Dictionary,

Encyclopaedia Britannica, Chicago, 1981.

The New Encyclopaedia Britannica, 15th edition,

Chicago, 1986.

از تصویر تا الفبا

حدود ۳۵/۰۰۰ پیش از میلاد: انسان اندیشمند آغاز به آفرینش تصاویر و استفاده از زبان کرد.

حدود ۳۰/۰۰۰ پیش از میلاد: نقاشیهای غار در اروپا.

حدود ۱۵/۰۰۰ پیش از میلاد: نقاشیهای غارهای لاسکو و آلتامیرا.

حدود ۳۳۰۰ پیش از میلاد: پیدایش خط تصویرنگار در بین‌النهرین.

حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد: نخستین هیروگلیف‌های مصری.

حدود ۲۶۰۰ - ۲۸۰۰ پیش از میلاد: پیدایش خط میخی سومری.

حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد: گسترش خط میخی در خاور نزدیک.

حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد: ملتهای دره سند شکلی از نوشتن را به کار می‌بردند که تاکنون رمزگشایی نشده است.

حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد: خط اندیشه‌نگار چینی نوشته شده روی گلدانهای برنزی و استخوانهای غیبگو.

حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد: بازرگانان اوگاریت یک خط الفبای همخوانی میخی را به کار می‌بردند.

حدود ۱۱۰۰ پیش از میلاد: نخستین کتیبه‌های شناخته شده به الفبای خطی فنیقی.

حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد: پیدایش خط آرامی؛ یکی از شاخه‌های خط فنیقی و نیای خط عربی و نوشتار سانسکریت هندی.

حدود ۹۰۰ پیش از میلاد: گسترش الفبای همخوانی فنیقی در حوضه مدیترانه.

حدود ۸۰۰ پیش از میلاد: یونانیان الفبای مدرنی با حروف صدا دار می‌آفرینند.

حدود ۶۰۰ پیش از میلاد: نخستین کتیبه‌های لاتینی با حروف بزرگ.

حدود ۴۰۰ پیش از میلاد: ورود پاپیروس به یونان؛ اسناد دست‌نوشته.

حدود ۹۰ پیش از میلاد: در امپراتوری روم نسخه‌های دست‌نوشته (نخستین شکل کتاب) جای طومار و کاغذ پوستی جای پاپیروس را می‌گیرد.

حدود ۱۰۵ میلادی: اختراع کاغذ در چین.

قرن سوم میلادی: آغاز نوشتار مایاها.

قرن هفتم میلادی: اختراع چاپ در چین. پیدایش نوشتار عربی.

قرن پانزدهم میلادی: گوتنبرگ در اروپا دستگاه چاپ را اختراع می‌کند.

Sources: Naissance de l'écriture, Réunion des Musées Nationaux, Paris, 1994, and B. Fraenkel, Centre d'Étude de l'Écriture, Paris

خط کوچک کارولنزی قرن نهم	خط اونیسیال قرن پنجم	حروف بزرگ رومی ۱۰۰ ق.م.	خط یونانی ۳۵۰ ق.م.	خط سامی شمال ۱۰۰۰ ق.م.	خط سینالی ۱۶۰۰ ق.م.	هیروگلیف ۳۰۰۰ ق.م.
α	A	A	A	K	𐎧	𐎧
β	B	B	B	𐎡	𐎡	𐎡
γ	C	C	C	𐎠	𐎠	𐎠
δ	D	D	D	𐎡	𐎡	𐎡
ε	E	E	E	𐎡	𐎡	𐎡
f	F	F	F	𐎡	𐎡	𐎡
g	G	G	G	𐎡	𐎡	𐎡
h	H	H	H	𐎡	𐎡	𐎡
i	I	I	I	𐎡	𐎡	𐎡
k	K	K	K	𐎡	𐎡	𐎡
l	L	L	L	𐎡	𐎡	𐎡
m	M	M	M	𐎡	𐎡	𐎡
n	N	N	N	𐎡	𐎡	𐎡
o	O	O	O	𐎡	𐎡	𐎡
p	P	P	P	𐎡	𐎡	𐎡
q	Q	Q	Q	𐎡	𐎡	𐎡
r	R	R	R	𐎡	𐎡	𐎡
s	S	S	S	𐎡	𐎡	𐎡
t	T	T	T	𐎡	𐎡	𐎡
u	U	U	U	𐎡	𐎡	𐎡
x	X	X	X	𐎡	𐎡	𐎡
y	Y	Y	Y	𐎡	𐎡	𐎡
z	Z	Z	Z	𐎡	𐎡	𐎡

Source: Nouvelle Encyclopédie Bordas, © SGED, 1988

غول پیکرهای



همگانی و تحقیقات پزشکی جای این امیدواری هست که بیماریهای عالم‌گیر مانند ایدز و سرطان از میان برداشته شود. گسترش عظیم رسانه‌ها فرصتهای تازه‌ای برای آموزش و توسعه فرهنگ به وجود آورده است. کامپیوترها و فایبر اپتیک‌ها به سازماندهی و ترویج دانش و داده‌پردازی و مدیریت منابع بُعد تازه‌ای داده است که تا این اواخر غیرقابل تصور بود.

ولی این جهان با وجود این همه منابع غنی، دانش و تجربه، که از ترکیب پیشرفته‌ترین و پویاترین جوامع ترکیب یافته، شدیداً آسیب‌پذیر است. ما همچون بخت‌النصر کتاب عهد عتیق، در مقابل غول پیکرهای با پاهای گلین ایستاده‌ایم. دیدگاه مادی خاص ما از پیشرفت و برخورد لجوجانه ما با مصرف‌گرایی و اسراف هر روزه بر شکاف رو به گسترشی دامن می‌زند که میان اقلیت و اکثریت وجود دارد، اقلیتی که از امتیازات پیشرفت بهره می‌برد و اکثریت عظیمی از ساکنان جهان که آسایش و برخورداری از حداقل زندگی برایش هنوز سرابی در دوردست می‌نماید.

توازن مخاطره‌آمیز

در زمانی که کشورهای غربی وارد عصر «شاهراههای اطلاعاتی» می‌شوند، ۶۰۰/۰۰۰ منطقه مسکونی در سراسر جهان بدون برق است. در زمانی که کشورهای صنعتی شمال میلیون‌ها آدم دانشگاه دیده‌ای را دارد که نمی‌توانند کار پیدا کنند، در کشورهای جنوب ۹۰۰ میلیون بیسواد هست که غالباً در شرایطی غیرانسانی زندگی می‌کنند.

هر قدر این شکاف عمیق‌تر شود، زندگی در سیاره ما مخاطره‌آمیزتر می‌گردد. زیرا همان پیشرفت تکنولوژیک و علمی که شیوه زندگی بسیار مرفه کشورهای صنعتی شمال را ممکن ساخته است موجب نزدیکی بسیار حساس دنیا نیز شده است. امروزه بیش از هر زمان دیگر جهان چون پدیده‌ای واحد می‌نماید. همان جنگ و خشکسالی که منجر به مهاجرت از یک کشور آفریقایی شد، بر همسایگان اروپایی خود نیز اثر گذاشت و بحران اقتصادی را پیچیده‌تر و بر اثر هجوم انبوه و غیرقابل کنترل مهاجران، مشکل بیکاری را تشدید کرد. اما عکس این نیز حقیقت دارد. یک بحران اقتصادی که در آمریکای شمالی یا استرالیا یک صنعت را از میان می‌برد، می‌تواند کشاورز آمریکای جنوبی یا معدنکار آسیای میانه را از وسائل امرار معاش محروم کند.

هیچ چیز بهتر از مسائل زیست‌محیطی این وضع را تصویر

«دیدن این کودک گرسنه، همچون خاری بزرگ دلم را می‌آزارد» این سخن میگل هرناندس، چهره درخشان شعر اسپانیایی است. اکنون اگر او می‌دانست که فقط چند ماه پیش یک ایستگاه رادیویی رواندا پیامهایی را در مورد کشته شدن کودکان پخش می‌کرد یا اگر بر صفحه تلویزیون تصویر اجساد را می‌دید که با دستهای بسته از پشت در آبهای دریاچه ویکتوریا غوطه‌ورند، چه می‌گفت؟ احتمالاً

می‌گفت جامعه‌ای که تعصب و نابرداری را تحمل کند جامعه‌ای رو به انحطاط است. احتمالاً می‌گفت که روشنفکران باید انزجار خود را نه فقط با حرف که با عمل چنان نشان دهند که دیگر چنین وقایعی رخ ندهد.

پس از پایان جنگ سرد و سقوط رژیم شوروی، کشاکشهای قدیم دوباره سربر آوردند و کشاکشهای جدید ناشی از اختلافات ملی، فرهنگی، قومی و اجتماعی - اقتصادی به درگیری و خشونت انجامیدند.

فرصت خوبی است که تکرار کنیم جنگ هرگز طرف برنده نخواهد داشت. هزینه‌های مادی و معنوی جنگ به قدری بالاست که هر پیروزی در واقع یک «پیروزی پیروسی»^۱ است. فقط صلح است که برنده دارد و بردن صلح نه فقط به معنای پرهیز از برخوردهای مسلحانه بلکه یافتن راههای ازمیان برداشتن خشونت فردی و جمعی مثل بی‌عدالتی و خفقان، نادانی و فقر، تعصب و تبعیض، نیز هست. ما باید ارزشها و گرایشهای نوینی را برقرار سازیم تا جای فرهنگ جنگ را بگیرد، فرهنگی که قرن‌هاست بر تمدن بشر سایه افکنده است. بردن صلح به معنای آن است که بر شالوده‌ای دموکراتیک، چهارچوب نوینی از بردباری و بزرگ‌منشی برقرار سازیم که همگان را دربرگیرد.

دنیایی ثروتمند اما آسیب‌پذیر

ما در عصر امید زندگی می‌کنیم. انتظارات مربوط به صلح، مشارکت و تحول را که با تغییرات پنج سال اخیر افزایش یافته هنوز می‌توان برآورده ساخت. پیشرفتهای شتابان در علم و تکنولوژی این امکان را فراهم آورده است که بتوانیم برای بسیاری از مشکلات اجتماعی مثل بیکاری و مواد مخدر، راه‌حلهای تازه بیابیم. در زمینه بهداشت

Pyrrhic victory کنایه از پیروزی همراه با خسارات و تلفات بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر.

با پاهای گلین

مردان و زنان فردا و نسلهایی است که زمین را به ارث خواهند برد، یا مثلاً در پی برآوردن علایق اقتصادی کوتاه مدت یا قدرت طلبیهای خام هستیم؟ در آغاز این قرن، میگل د اونا مونو، دیگر شاعر اسپانیایی، این تصور از پیشرفت را مورد انتقاد شدید قرار داد. او نوشت «ما باید تولید کنیم، باید در همه زمینه ها و با کمترین هزینه تا آنجا که توان داریم تولید کنیم، و سپس بگذاریم که نوع انسان با بار سنگین کالاهای ماشین آلات، کتابها، نقاشیها، پیکرها و همه نشانه های شکوه و تاریخ این جهانی، در پای برج عظیم بابل سقوط کند!»

برج بابل مصرف کننده

پیش از هر چیز بهتر است مفتون آوای خوش مصرف بی رویه نشویم. اکنون که خود را از کمونیسم رهانیده ایم، باید خود را از مصرف گرایی نیز خلاص کنیم. این اندیشه که مصرف می تواند تابی نهایت گسترش یابد قابل دفاع نیست. خطر به پایان رساندن منابع غیر جایگزین، نیاز به پرهیز از آلودگی و نابودی زیست محیطی، و تهدیدی که متوجه لایه اوزون، تنوع زیستی، بهداشت و سلامت نسلهای آینده و میراث طبیعی و فرهنگی بشریت است، محکم ترین دلیل علیه هرگونه خیالبافی در مورد مصرف نامحدود در قرن آینده است.

مقابله با این سراب از طریق توسعه پایدار و فراگیر، بخصوص با توجه به محیط زیست، مصرف مبتنی بر کیفیت و نه کمیت، و بازسازی ارزشهای معنوی که می تواند به اولویتهای ما نظم دوباره بدهد و الزاماً باید به صرفه جویی و محدودیت بوم شناختی بینجامد، ضرورت حیاتی دارد. در دهه های آینده، کیفیت زندگی به طور فزاینده ای با ریاضت کشی و برخورد مسئولانه با محیط زیست توأم خواهد بود.

رؤیای بخت النصر چنین پایان می گیرد: «سنگی که از سوی کسی پرتاب نشده بود بر پای گلین مجسمه خورد و آن را نابود کرد.» تمدن ما، این دستگاه پیچیده عظیم با دستاوردهای خارق العاده اش در قلمروهای گوناگونی چون هنر، علم، صنعت و فرهنگ، همچون غول پیکره عهد عتیق است. اگر ما نتوانیم عدم توازنهایی را چاره کنیم که آن را تهدید می کند، اگر نتوانیم در چهارچوب عدالت و شرافت، هماهنگی لازم را میان مردمان ایجاد کنیم، اگر نتوانیم یک سیاره قابل سکونت را برای نسلهای آینده به جا بگذاریم، آنگاه ما روز به روز به مجسمه ای با پاهای گلی شباهت بیشتری پیدا می کنیم. مجسمه ای که همیشه در معرض خطر فرو آمدن سنگی است که از سوی تقدیر کور پرتاب خواهد شد. ■

نمی کند. استفاده نابخردانه از کودهای شیمیایی، انباشتن فضولات هسته ای، آلودگی هوا، آب و خاک، از دست رفتن گونه های زیستی، کاهش بعضی از منابع غیر قابل تجدید — اینها بعضی از خطرهای است که همه سیاره ما را تهدید می کند، زیرا تباهی محیط طبیعی هیچ مرزی نمی شناسد.

یونسکو به وسائل مختلف می کوشد تا این بحث را مطرح سازد و مشوق یافتن راه حل هایی باشد که این گرایشها را معکوس کند، اختلاف بین استاندارد زندگی در شمال صنعتی و جنوب درحال پیشرفت را کاهش دهد، فعالیت علمی و فرهنگی را رواج دهد و به گسترش صلح کمک کند.

بدبختانه هنوز بر جامعه ما فرهنگ جنگ حاکمیت دارد. دستگاه تولید دنیای مدرن پیوند نزدیکی با ماشین جنگی دارد. اکنون که جنگ سرد به پایان رسیده و گرایشهای دموکراتیک، آرامش بین المللی بیشتری برای ما فراهم کرده، درمی یابیم که برای برخورد با جدی ترین و ویرانگرترین خطراتی که آینده تمدن ما را تهدید می کند، آمادگی نداریم، ما برای گذشته پرورده شده ایم نه برای حال.

انتظار می رفت رخدادهای پس از ۱۹۸۹ به ارزیابی دوباره مفاهیم مربوط به دفاع و امنیت در جهان بینجامد. اما این ارزیابی مفهومی، هنوز به کاهش چشمگیر هزینه های دفاعی منجر نشده است. «سهم صلح» مورد انتظاری که آن همه درباره اش جنجال شد، به سرمایه گذاریهای عمده در آموزش و پرورش، بهداشت همگانی یا کمک به کشورهای درحال توسعه و دیگر بخشهایی که نیاز مبرم به اقدام همگانی داشت، منتهی نشد.

دیدگاه مربوط به پیشرفت و توسعه که تا این اواخر غلبه داشت نیازمند تجدیدنظر کلی است؛ منظور این اندیشه است که توسعه مختصری بیش از رشد است، و بالا رفتن شاخصهای تولید صنعتی و افزایش مصرف برق برای مدرنیزه کردن کشور و تأمین آینده بهتر برای مردم کافی است. این اعتقاد خطا، به تحمیل الگوهای خارجی توسعه منجر می شود که ویژگیهای تاریخی، فرهنگی و روان شناختی مردمی که آن الگوها را برایشان در نظر گرفته اند نادیده می گیرد. یکی از عواقب این رویکرد، پرداخت بهای مادی و معنوی عظیم توسط کشورهای است که از سوی نهادهای مالی بین المللی به اجرای سیاستهای خاصی برای ترمیم ساختارهای اقتصادی خود موظف می شوند.

امروزه مسئله اساسی رویاروی ما این است که چه کسی از مواهب پیشرفت بهره مند می گردد. آیا کوششهای ما در جهت منافع

سومین و آخرین بخش سخنرانی
توماس مان در نشستی که
مؤسسه بین‌المللی همکاری فکری
در باره «پرورش انسان مدرن»
در سال ۱۹۳۵ برگزار کرده بود،
در اینجا می‌آید

(بخشهای اول و دوم این سخنرانی
در شماره‌های پیش چاپ شده
است). این مدافع پرشور
تمدن و فرهنگ اروپایی، با طنزی تلخ،
سخنرانی خود را با اوج‌گیری
عقل‌ستیزی در آلمان گرفتار نازیسم،
به پایان می‌برد. در سخنان او
خطر نوعی غرقه‌گشتن قریب‌الوقوع
در پرتگاه توحش احساس می‌شود،
پرتگاهی که دوران ما نیز گویی
دوباره بر لبه آن ایستاده است ...

گزینش و معرفی متن از: ادگاردو کانتون

توماس مان در سال ۱۹۵۰

توماس مان

تاریک‌اندیشی جدید

کرده است. خرده‌بورژوازی که از میان توده‌ها
برخاسته، در تأملات افسارگسیخته خویش، اصطلاح
«دیوفکری» را ابداع کرد که عبارتی ابلهانه است، اما
تأخدی از تأیید مقامات بالا برخوردار است،
مقاماتی که در میان آنها روحیه ضد عقلانی حاکم
است. این اصطلاحی است مرگ‌آور که در عرصه
سیاسی و اجتماعی، در وهله اول برضد هر خواست
معقول، هر خواست صلح‌آمیز و تمام احساسات
اروپایی به کار می‌افتد، اما از همین رهگذر، هر نظم
و هر اخلاق فکری را نیز نشانه می‌گیرد.

غبار ادبیات بد

با این همه، ذهن، حتی هنگامی که ضد عقلانی است،
نمی‌تواند ذهن نباشد؛ فرزند فرودست آن یعنی فرد
عامی با تصویری معدود نه می‌تواند ذهن را کنار
بگذارد و نه اندیشه را. بی‌تردید او سخن می‌گوید،
فلسفه‌بافی می‌کند، می‌نویسد و هر آنچه از وی بیرون
می‌تراود چیزی نیست مگر کاریکاتوری از ذهن،
نوعی خرده‌ورزی رده پایین. فضا از اندیشه‌های
برآمده از ذهن توده‌ها اشباع شده است، توده‌هایی
که ناشیانه به هیجان آمده‌اند. غباری از ادبیات بد، بر
فراز کشور گسترده است و مانع تنفس می‌شود. انسان
توده‌ای که بر ضد عقل به تعقل می‌پردازد، حق
انحصاری اندیشیدن و سخن گفتن و نوشتن را به
ناروا از آن خود کرده و بر دهان همه افراد دیگر
مهر سکوت زده است و با اطمینان از اینکه هیچ
صدای مخالفی برنخواهد خاست، امتیاز خود را
برای آن به کار می‌بندد که نفس آدمی را ببرد و او را
وسوسه کند که دموکراسی لیبرال را به باد لعن و
نفرین بگیرد، همان دموکراسی که خواندن و نوشتن
را به همگان یاد داده است.

آدمی احساس می‌کند که خود اندیشه و کلام نیز
در پی چنین کاربرد نابجا و حقیری، برای همیشه
بدنام گشته‌اند. فرهنگ تمسخرآمیزی که از هر مانعی
رهایی یافته و به نحوی رقت‌انگیز سخت برانگیخته
شده، آگاهیه‌های کاذب، بر نهاده‌های بدخواهانه،
عوام‌فریبانه و مقاصد وقیحانه خود را که با ادعاهای
هزاران ساله همراه است، همه‌جا پخش می‌کند، و

بی‌تردید، ضرورت به انسان اندیشیدن می‌آموزد، اما
جای این سؤال باقی است که اندیشیدن به چه
شیوه‌ای؟ وقتی توده‌های متشکل از طبقات متوسط و
طبقات پایین‌تر که به فقر و محرومیت گرفتار آمده‌اند
و سرگشته تیره‌بختی شده‌اند، با قلبی لبریز از کینه،
اندیشیدن را آغاز می‌کنند و به نظروزیهای عرفانی
می‌پردازند، دیده‌ایم که چه فاجعه‌ای رخ می‌دهد.
خرده‌بورژوا یاد گرفته که عقل از میان رفته است و
می‌توان به فهم و هوش آدمی دشنام داد و این
لولوخورخوره‌ها که با سوسیالیسم و انترناسیونالیسم
و حتی روحیه یهودی، بی‌ارتباط نیستند، گویی علت
اصلی سیه‌روزی او هستند. او با گرفتن این مجوز از
مقامات بالا، برضد عقل به اندیشه می‌پردازد. یاد
گرفته است که واژه دشوار اما نیروبخش
«عقل‌ستیزی» را بی‌لکنت بیان کند. رواج
عقل‌ستیزی که طی دومین و سومین دهه قرن ما
صورت گرفته، بی‌تردید رقت‌انگیزترین و
مسخره‌ترین منظره‌ای است که تاریخ به ما عرضه





عمان: اولویت محیط زیست

نوشته فرانس بکت

یک قایق پراز یخ
در بندر صور
واقع در
خلیج عمان پیش از
حرکت برای
ماهیگیری.

حکومت عمان است. مثلاً در مارس ۱۹۹۴، وزیر منابع آبی، درمورد افزایش سریع مصرف آب هشدار داد. اما در مسقط محدودیتی احساس نمی‌شود، زیرا که آب آن توسط یک کارخانه نمک‌زدایی آب دریا تأمین می‌شود، ولی بین ماههای مه و اوت (هنگامی که درجه حرارت در سایه به ۴۳ درجه سانتیگراد می‌رسد)، کشاورزی مملکت هر ماه ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب مصرف می‌کند، و این یعنی ۹۴ درصد مصرف کل. بنا به گفته وزیر منابع آبی، ۸۰ درصد آب باران به دریا می‌رود، و ۵ درصد آن تبخیر می‌شود. در سال ۱۹۸۵، در نزدیکی مسقط برای گردآوری آبهای باران که از کوهها سرازیر می‌شد، سدی احداث گردید. از آن پس پنج سد دیگر ساخته شده و پنجاه سد دیگر قرار است تا چند سال آینده بسته شود.

برای جلوگیری از تمام شدن منابع زمینی آب، حفر چاهها بدون اجازه دولت ممنوع است. تعداد تقاضاهای رسیده هشداردهنده است - ۹/۰۹۰ تقاضا ظرف سه سال که با ۶۳۶۵ مورد آن موافقت شده و به این ترتیب تعداد چاههای موجود را به ۱۶۷۰۰۰ حلقه می‌رساند. این نگران‌کننده است، زیرا منابع آب سنگواره‌ای - از این رو چنین نامیده می‌شوند که عمرشان به دوران باستان یعنی زمانی بازمی‌گردد که باران این ناحیه بیشتر بود - در هوای خشک کنونی

کشور با طیف گسترده‌ای از مناظر طبیعی و خاکهای گوناگون، وسعتی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع را در جنوب شرق شبه جزیره عربستان دربرمی‌گیرد و از شمال و غرب هم‌مرز امارات متحده عربی و عربستان سعودی از سمت جنوب غرب همسایه یمن است. نوار ساحلی آن به طول ۱۷۰۰ کیلومتر از تنگه هرمز، در طول خلیج عمان تا دریای عرب امتداد دارد. قسمت شمالی کشور، مسندم، شبه‌جزیره‌ای کوهستانی است که با خورهای آبدیده‌مانند به‌صورت دنداندار درآمده است. یک جلگه ساحلی حاصلخیز (باطنه)، یک رشته کوه (جبل‌الاکضر) که ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، و پهنه‌هایی از بیابان در آن قرار دارد.

فرونشاندن عطش سلطان‌نشین

گرچه از ماه ژوئن تا سپتامبر بارانهای سنگین موسمی در ظفار واقع در جنوب می‌بارد، اما آب و هوای پسرکرانه، خشک و گرم است و میزان بارندگی سالانه آن از ۱۰۰ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند. اما بارانهای شدید گاهی چنان سیل‌آسا می‌شوند که رودخانه‌های معمولاً خشک آن، به‌سوی کرانه‌ها جریان می‌یابند و هرچه در پیش‌رو داشته باشند با خود می‌رویند. تأمین آب عمده‌ترین اشتغال ذهنی

عمانی‌ها مدعی‌اند که کشورشان بعد از سنگاپور، تمیزترین کشور دنیا است. این کشور واقعاً تمیز است. در فرودگاه، کف پوشیده از سرمر خاکستری آن مثل آینه می‌درخشد. ذره‌ای کاغذ باطله یا گرد و غبار به چشم نمی‌خورد. اتومبیل‌های پارک شده در بیرون، از تمیزی می‌درخشند. کوشش مصممانه‌ای که موجب تمیزی عمان شده به کمک پیامهای رادیو و تلویزیون و از طریق جریمه‌های گزاف تقویت می‌شود (حدود ۱۰۰ دلار برای یک اتومبیل کثیف یا ته‌سیگاری که از پنجره‌ای بیرون انداخته شود)، در عین حال لشکری از رفتگران با لباسهای متحدالشکل نارنجی رنگ شب و روز در جاده‌ها درکارند تا هرگونه زیاده‌ای را که به‌رغم همه احتیاطها، در راه افتاده باشد جمع کنند. حتی در بیابان زباله‌دانهایی - به رنگ سفید همراه با نام نزدیکترین شهر - گذاشته شده که به فواصلی منظم خالی می‌شوند. مسقط، پایتخت کشور که چندین کیلومتر در طول ساحل امتداد دارد، دارای خانه‌های سفید رنگ محصور در میان گلها و درختان است که براساس سبکی تصویب شده بنا شده‌اند. تانکهای آب، و دستگاههای تهویه مطبوع با انواع پرده‌های چوبی خاص جهان عرب، از دید پنهان شده‌اند.

عمان وسعتی به اندازه بریتیش آیلز دارد و جمعیت آن حدود ۲ میلیون نفر است. این

قابل جایگزینی نیست. گرچه منابع کنونی در حدود ۹۵۵ میلیون مترمکعب ظرفیت دارد و تحقیقاتی در جریان است تا معلوم کند آیا در سطوح عمیق‌تر هم آب زیرزمینی هست یا نه، لکن مصرف کمتر عاقلانه‌تر است. چهل و نه گروه در سراسر کشور گردش می‌کنند تا چاهها و خصوصیات آماری آنها را به ثبت برسانند و از هر کدام نمونه‌برداری کنند تا آبشان مورد ارزیابی قرار گیرد. این اطلاعات وارد یک بانک اطلاعاتی می‌شود که از طریق آن می‌توان ارقام و نقشه‌ها را استخراج کرد. چاهها نباید خیلی نزدیک به دریا باشند، زیرا احتمال دارد به آب دریا آلوده شوند. درختان نخل در باطنه، در مقابل شوراب مقاومت کمی دارند و فوری خشک می‌شوند.

وادی الخلیل،
در بخش شرقی
کوههای حجر،
بین مسقط و صور.

چاههای حضرت سلیمان

مدیریت آب در عمان ابتکار تازه‌ای نیست. یک سیستم آبیاری عالی به نام فالج در حدود ۲۵۰۰ سال پیش به وجود آمد که تا به امروز هم هنوز به طور کامل عمل می‌کند. افسانه‌ای در این باب هست که بنا به آن حضرت سلیمان پسر داوود، به وسیله فالجچه جادویی اش به عمان آمد و به کمک پریان طی ده روز ده هزار آبراه احداث کرد. آب از سفره‌های زیرزمینی بیرون کشیده می‌شود و از طریق قناتهایی که به طول

یک کانال آبیاری
در جبل الاخضر.



سه تا ده کیلومتر توسط انسان ساخته شده به سوی دشتها سرازیر می‌گردد. در هر ۱۵۰ متر چاههای کوچکتری به این راهروهای زیرزمینی وصل می‌شود تا بازبینی آنها را تسهیل کند. جایی که قنات از دل زمین سرد می‌آورد، جریان آب به رشته‌ای از آبراههای باریک تقسیم می‌شود که بعضی از سیمان ساخته شده‌اند. اسناد باستانی این سیستم توزیع آب را تشریح می‌کنند. در حدود ۲۰۰ مالک حق دائمی استفاده از هر آبراه را دارند، و بسیاری دیگر دارای حق موقتی هستند. جریان آبی که چهل و پنج لیتر در ثانیه عبور می‌کند حدود چهل هکتار زمین را آبیاری می‌سازد و تقریباً به ۱۰۰۰ نفر آب می‌رساند. در دیواره‌های گلی اطراف هر مزرعه سوراخی ایجاد می‌شود که پس از جریان یافتن آب کافی در داخل آن بسته می‌شود. بعد همین عمل در مورد مزرعه بعدی صورت می‌گیرد. همین سیستم آبیاری در ایران، چین، و از غرائب اینک که در واله (Valais)، بخش سوئسی دره رُن سفلی نیز معمول است. ماهی سیاه کوچکی در فالج زندگی می‌کند که نقش گردآورنده آشغال را به عهده دارد. متأسفانه این ماهیها پشه آنوفل را که ناقل بیماری مالاریا هستند، شکار نمی‌کنند. در سال ۱۹۹۰ برنامه‌ای برای ریشه‌کنی مالاریا در ایرا، واقع در صد کیلومتری جنوب مسقط، به اجرا درآمد. در آن زمان ۴۴۱۹ مورد از پلاسمودیوم فالسی پاروم، مهلک‌ترین نوع مالاریا دیده شده بود. تعداد این موارد اکنون به چهل رسیده است. این کاری بسیار عظیم است، زیرا متضمن مراقبت از منطقه‌ای است که ۱۲ درصد نواحی کشور را دربر دارد و ۲۵۰۰۰۰ نفر در آن ساکن هستند. این منطقه به بخشهای ۴ کیلومتر مربعی

تقسیم شده که هر بخش آن هر روز با «تموفاسوم» سمپاشی می‌شود که حشره‌کشی است که هیچگونه ضرری برای انسان یا محیط‌زیست او ندارد. این حشره‌کش موقعی پاشیده می‌شود که امکان دارد پشه آنوفل در رودخانه‌ها، نه‌رها، چاهها و تانکرهای آب تخم‌ریزی کند. نتیجه کار بسیار چشمگیر بوده است.

بازگشت غزال سفید افریقای

بازپروری غزال سفید افریقای با کمک مالی صندوق جهانی برای طبیعت (WWF)، اجرای موفقیت‌آمیز دیگری در زمینه محیط‌زیست است. سلطان قابوس چندین جفت از این غزالهای شاخ بلند افریقای را که در عمان تاحد نابودی کامل شکار شده بود، از باغ‌وحشهای ایالات متحد به کشورش برد و از آن پس پرورشش رواج یافت. منطقه حفاظت‌شده‌ای که این غزالان در آن زندگی می‌کنند اخیراً به فهرست میراث جهانی یونسکو افزوده شده است.

پژوهشهایی که طی دوازده سال گذشته از سوی WWF و اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN) در مورد پنج نوک لاک‌پشت بومی عمان صورت گرفته چندان موفق نبوده است. گرگها، روباهها، کاکاییها، کلاغها، خرچنگها، ماهیهای گوشت‌خوار، پرندگان دریایی و مردم محلی، همه به گوشت و تخم این لاک‌پشته‌ها علاقه دارند. مصرف این لاک‌پشته‌ها توسط انسان بخشی از سنت دیرین ۷۰۰۰ ساله است اما اگر قرار است نسل این لاک‌پشته‌های فلس‌دار و سبز از میان نرود باید در مقابل شکار ویرانگر آنها

مشکل دیگری که رویاروی عمان قرار دارد مربوط به جمعیت ساحلی آن است. رادنی سالم، نماینده IUCN، از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ به مدت هفت سال روی برنامه مدیریت منطقه ساحلی برای این سلطان نشین فعالیت داشته است. گزارشهای او از لحاظ میزان آلودگی سواحل به نفت و قیر نگران کننده است، زیرا این آلودگی تاحد زیادی ناشی از تخلیه غیرقانونی نفت توسط کشتیها در دریاها، استخراج ماسه برای بناسازی، احداث بی رویه جادههای تازه، فضولات ماهی گندیده و ریختن زباله است. پرندهگان مهاجر که عمان به داشتن آنها شهرت دارد، دیگر نمیتوانند در تالابهای محصور در میان نیزارها فرود آیند، زیرا از مجموع هفده جایگاه از این گونه، هفت جایگاه عمیقاً در معرض تهدید قرار دارند. مرجانها، که بعضی از گونههای آن یگانه اند، توسط تورهای ماهیگیری، لنگرها و زبالههایی مثل کیسههای پلاستیکی و قوطیهای خالی رنگ آسیب فراوان می بینند.

وزارت شهرداریهای منطقه ای و محیط زیست ابتکار عمل را به دست گرفته است. یک فرمان سلطنتی برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی در سال ۱۹۸۲ صادر شد. در سال ۱۹۹۳، این وزارتخانه، کتابچه ای در مورد تاریخچه زیست و سه ساله اقدامات و پیگیری درباره رفع این مشکلات را منتشر ساخت. عمان در مقابل آلودگی دریا توسط نفت، در صدد ساختن یک مرکز تخلیه برای کشتیهای حامل تانکر نفت است. استخراج ماسه و تخلیه زباله در ساحل متوقف شده، و دسترسی به نواحی اصلی

برای مطالعه بیشتر در مورد عمان

Oman 94,
Ministry of Information, Oman, 1994.

Marine fauna of Oman: cetaceans, turtles, seabirds and shallow water corals,
IUCN, 1993.

Royal Decree No. 10/82 issuing the law on the conservation of environment and the prevention of pollution.

The Sultanate of Oman
and its concern for its environment
1993.

Coastal Oman,
IUCN Bulletin No. 4, 1992.

تولید مثل لاک پشتها، به حدود ۶۰ نفر در روز محدود شده است. ساختن بنا در فاصله کمتر از ۱۵۰ متری حداکثر مد دریا ممنوع است، و خانه سازی، مثل همه کارهای ساختمانی این سلطان نشین، باید با اجازه وزارتخانه باشد.

عمان یک آزمایشگاه عظیم محیط زیست است. با توجه به تصمیم گیریهای بجای مقامات برای مواظبت صحیح از کشور، و منابعی که برای این منظور بسیج کرده اند، پیروی از استراتژیهای مورد اقتباس آنها و ارزیابی نتایج به دست آمده شان در سالهای آینده، بسیار جالب و آموزنده خواهد بود.

فرانس بکت
روزنامه نگار
فرانسوی -
امریکایی
متخصص در
مسائل زیست محیطی.

جهان

خاورمیانه: چشم انداز غم انگیز

زیست محیطی

در یک گزارش منتشر شده از سوی بانک جهانی به نام استراتژی زیست محیطی خاورمیانه و شمال افریقا: به سوی توسعه پایدار، یادآوری شده است که ۴۵ میلیون عرب امروزه در شهرهایی زندگی می کنند که میزان آلودگی آنها بیش از حد مجاز اعلام شده از سوی سازمان بهداشت جهانی است. این گزارش پیش بینی می کند که در دهه آینده مشکلات زیست محیطی شدت خواهد یافت، زیرا جمعیت کل کشورهای عربی از ۲۵۰ میلیون به بیش از ۳۲۰ میلیون افزایش می یابد، و این همراه با افزایش جمعیت روستایی به حدود ۱۲ میلیون و افزایش فشار بر زمینهای مزروعی خواهد بود، که در حال حاضر حدود ۷٪ کل زمینها را دربرمی گیرد. در حدود ۱۱۵ میلیون نفر در شهرهایی به سر خواهند برد که در سطح غیرقابل قبول آلودگی قرار دارند. اگر برای حل این مشکلات اقداماتی صورت نگیرد، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این منطقه با مخاطرات متعددی رو به رو خواهد شد.

پارک ویرونگا در کشور زئیر

آژانس خبری پان آفریکن (PANA) گزارش می دهد که پارک ملی ۷۹۰۰۰۰ هکتاری ویرونگا واقع در شرق زئیر، گرفتار پیامدهای جنگ داخلی رواندا شده است. حدود دو میلیون رواندایی به گوما واقع در ۵۰ کیلومتری این پارک پناه برده اند. در ژوئن گذشته در حدود یک میلیون نفر به صورت غیرمجاز بین ۴۱۰ تا ۷۷۰ تن از فرآورده های جنگلی (به خصوص هیزم) از این پارک برده اند. در اوایل نوامبر، حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای آن بعضاً یا کاملاً جنگل زدایی شده است. در ۱۹۸۹، تعداد ۳۲۰۰۰ اسپ آبی در این پارک بود که اکنون ۱۱۰۰۰ آن باقی مانده است. این پارک از سال ۱۹۷۹ در فهرست میراث جهانی قرار داشته است، ولی در ۱۹۹۴ یونسکو مجبور شد نام آن را به فهرست میراث جهانی در خطر انتقال دهد.

فیلهای زیمبابوه مبتلا به

فلج خرطوم

آژانس خبری پان آفریکن در هراره (زیمبابوه) گزارش می دهد که متخصصان می کوشند تا علت بیماری مرموزی که طی چند سال گذشته فیلهای این کشور را

قلعه قدیمی
برکت الموز در
دامنه جبل الاخضر،
یکی از جاذبه های
توریستی عمان
است.



مؤسسه پژوهشهای توسعه در ژنو



کمک به وزارت آب و محیط زیست نیجریه برای تأمین آب دهکده‌ها، مدیریت منابع آب زیرزمینی و آموزش کارکنان طراحی شده است. در بنین ۷ میلیون فرانک سوئیس برای کمک به بهبود وضع بهداشت ساکنان استانهای بورگو و زو سرمایه‌گذاری شده است. در ماداگاسکار پروژه‌ای برای سازماندهی دوباره داروخانه مرکزی آنتاناریوو، انتشار راهنماهای درمانی برای دکترها و تقویت شبکه‌های دارویی از طریق ارسال دارو و آموزش کارمندان، طراحی شده است. در هائیتی هدف بهبود شرایط زندگی از طریق جمع‌آوری و بازیافت فضولات محلی و تبدیل آنها به کود است که بعد به خرده‌کشاورزان و قلمستانهای اطراف داده می‌شود. کمک مشابهی به گروهی از زنان تجالپا مورلوس، کوئروناواکا (مکزیک) می‌شود تا به بازیافت زباله‌های خود بپردازند. IUED مجموعه‌ای درباره موضوعهای مختلف و یک راهنمای ۴۰۰ صفحه‌ای به نام تحقیقات سوئیس و کشورهای درحال پیشرفت، ۱۹۹۳-۱۹۹۴ انتشار داده است که دیدگاه جهانی تحقیقات سوئیس در ارتباط با کشورهای درحال پیشرفت، مشخصات نهادها، اشخاص ذی‌صلاح و پروژه‌های تحقیقاتی را به دست می‌دهد.

مؤسسه پژوهشهای توسعه (IUED) توسط کانتون ژنو (سوئیس) به‌عنوان مرکزی برای دانشجویان آفریقایی و برای بحث و تحقیق درباره مشکلات جهان سوم، در سال ۱۹۶۱ در ژنو تأسیس شد. از آن زمان به بعد فعالیتهای آن به میزان قابل‌توجهی گسترش یافته تا امکان آموزش حرفه‌ای درباره توسعه و دسترسی به آخرین مطالعات بخصوص درباره مراقبتهای بهداشتی را فراهم آورد. امروزه این مؤسسه یک کتابخانه دارد که حاوی بیش از ۵۰/۰۰۰ جلد کتاب، یک بخش گاهنامه با ۱۱۰۰ عنوان مجله، و یک مرکز اسناد با ۱۲۰۰ پرونده اطلاعاتی است که به‌حسب کشور، موضوع و مؤسسه فعال آن طبقه‌بندی شده است.

این مؤسسه آموزشهایی را از طریق سخنرانیها، سمینارها و واحدهایی فراهم می‌آورد که به دیپلم در پژوهشهای پیشرفته، دیپلم پژوهشی یا دکترای ختم می‌شود. دانشجویان اهل ایتالیا، رومانی، فنلاند، بنین، سنگال، چین، فیلیپین و نیز سوئیس هستند. مؤسسه به این دانشجویان در طراحی پروژه‌های توسعه و یافتن موقعیتهای شغلی به هنگام بازگشت کمک می‌کند.

یک سرویس مطالعاتی و برنامه‌ریزی، دوره‌ای تکمیلی را نیز فراهم می‌آورد تا تضمین‌کننده موفقیت قراردادهای عملیاتی در کشورهای درحال پیشرفت باشد. دوشادوش نهادهای محلی کار کند و به تقویت تخصص آنها بپردازد. مثلاً، IUED، در نیجریه دست‌اندرکار یک پروژه آب چهارساله به مبلغ ۱۲ میلیون فرانک سوئیس است که برای

دچار فلج‌خرطوم کرده کشف کنند.

این بیماری که نام آن Flaccid (FTP) Paralysis Trunk است، بالا آوردن خرطوم را برای ستبربوستان رنج‌آور می‌کند و در نتیجه آنها نمی‌توانند خوب تغذیه کنند. ممکن است که این بیماری ناشی از آلودگی سرب، زباله‌های مسموم‌کننده مثل باتریهای مستعمل یا شاید آلودگی ناشی از فایده‌های موتوری باشد. هرچند که نخستین نشانگان این بیماری در جزیره فوترجیل، یک مرکز توریستی واقع در شمال این کشور، دیده شده است، لکن در ژوئیه ۱۹۹۴ دوازده مورد دیگر آن در منطقه ماتوسادونا مشاهده شد که با این جزیره فاصله بسیار دارد. ■

الگوی برای تخلیه زباله

در شانتوسه - سور - باکون در دره لوار فرانسه، زباله‌های مسموم در جایگاهی ۴۰ هکتاری که در نوع خود نمونه است، تخلیه می‌شود. ۲۵۰۰۰ تن زباله‌ای که هر سال جمع می‌شود، طبقه‌بندی و در کیسه‌های پلی‌اتیلین بار و سپس در حفره‌های کندوماند عمیقی که در خاک حفر شده جای داده می‌شوند. این حفره‌ها با «غشای زمینی» (geomembrane) - نوعی پوشش پلی‌اتیلین فشرده، یا موادی مثل نمد - پوشانده می‌شود. آب باران در لوله‌ها جمع می‌شود، منتظمآ تجزیه می‌شود و در صورت لزوم به تصفیه‌خانه فرستاده می‌شود. بنا به قوانین فرانسه در هر منطقه کشور باید یک تخلیه‌گاه درجه یک وجود داشته باشد، و طوری طراحی شود که سمی‌ترین فضولات را گردآوری کند. اما طی دوازده سال گذشته تخلیه‌گاه جدیدی گشوده نشده است، درحالی که ۲ تا ۶ میلیون تن زباله در هر سال تولید می‌شود. ■

موسم تغییر در دانمارک

دانمارک عمده‌ترین سازنده توربین‌های بادی جهان است. و هم‌اکنون ۴۰۰۰ واحد از آنها در این کشور مشغول به کارند و حدود ۲٪ برق کشور را تهیه می‌کنند، یعنی حدود نصف ظرفیت یک کارخانه هسته‌ای. یک دلیل افزایش تعداد توربین‌ها این است که سرمایه‌گذاران این زمینه از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند. از آنجا که بادخیزترین جایگاههای زمینی دارند به‌حد اشباع می‌رسند، دانمارکیها اکنون سرگرم ساختن توربین‌های ساحلی هستند. هزینه اینها بیشتر است، اما نسیم دریا متبعی پایان‌ناپذیر است. ■

ماهنامه پیام یونسکو

نشریه‌ای که به ۳۰ زبان و خط بریل

در جهان منتشر می‌شود.

بنابر توافق یونسکو (سازمان تربیتی، علمی و

فرهنگی ملل متحد) با کمیسیون ملی یونسکو

در ایران منتشر می‌گردد.

مدیر مسئول: دکتر اکبر زرگر

سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران

انتشار مقالات، تفاسیر، آرا و تصاویر این

مجله دال بر تأیید یا صحت کامل مطالب نیست

مدیر: محمد پارسی

مترجم: مصطفی اسلامی، ویراستار: هادی غبرائی

لیلا جوادى متقى (حروفچینی)

محمد قره‌چمنی، عزیزه پنجوینی (تصحیح)

اصغر نوری (تنظیم صفحات، امور چاپ)

آدرس دفتر مجله:

تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی بین چهارراه

فرصت و مفتاح، شماره ۳۷۱، کدپستی ۱۵۸۱۷

صندوق پستی ۴۴۹۸-۱۱۳۶۵ تلفن: ۸۸۴۴۴۸۳

هیئت تحریریه (یونسکو)

مدیر: بهجت‌النادی، سردبیر: عادل رفعت

انگلیسی: روی ملکین، مایکل فاینبرگ، فرانسیسوی: ال

لوک، ندا الخازن، اسپانیایی: میگل لارباکه، آرسلی اورتیس

د اورتیس انتخاب مطالب برای خط بریل در زبانهای انگلیسی،

فرانسیسوی، اسپانیایی و کره‌ای: ماری دومینیک بورژ

واحد هنری: ژرژ سروا، تصاویر: آریان بلی، مطالعه و

پژوهش: فرناندو اینسا، مسئول اسناد: ویولت رینگلستین

آدرس دفتر مرکزی (پاریس)

31, rue Francois Bonvin, 75015 Paris, France

نام مسئولین نسخه‌هایی که

خارج از پاریس چاپ می‌شود

روسی: الکساندر ملیکوف (مسکو)، عربی: السید

محمود الشنیطی (قاهره)، آلمانی: ورنر مرکلی (برن)

ایتالیایی: ماریو گیدوتی (رم)، هلندی: کلود موزیو

(آنتورپ)، تامیل: م. محمد مصطفی (مدرس)، هندی: گنگ

پراشاد ویمال (دهلی)، پرتغالی: بندیکو سیلوا (ریودونیرو)

ترکی: مفرالکازر (استانبول)، اردو: ولی محمد زکی (کراچی)

کاتالان: خوان کاره‌راس ای مارتی (بارسلونا)

مالزیایی: سیدین احمد اسحاق (کوالالامپور)، کره‌ای: بی

تونگ اوک (سئول)، سواحلی: لئوئارد ج. شیمبا (دارالسلام)

هوسا: حبیب‌الحسن (سوکوتو)، بلغاری: دراگو میر پتروف

(صوفیه)، یونانی: سوفی کوستوپولوس (آتن)، سینهالی:

نویل پیادیگاما (کولومبو)، فنلاندی: کاتری جیم

(هلسینکی)، باسک: خوستو آگایا (دوناستیا)، تایی: دوانگپ

سوریتاتیپ (بانکوک)، ویتنامی: دو فونگ (هانوی)

پشتو: غوثی خاوری (کابل)، چینی: شن گوفن (پکن)

بنگالی: عبدالله ا. م. شرف‌الدین (داکا)، اسلوونی: الکساندرا

کوردنارد (لیوبلیانا)، اوکراینی: ویکتور استلمخ (کیف)

گالیسی: خاویر سین فرناندس (سانتیاگو د کومپوستلا)

نقل مقالات و چاپ عکسهایی که استفاده از آنها محفوظ

اعلام نشده باشد با ذکر عبارت «نقل از ماهنامه پیام یونسکو»

و شماره آن آزاد است. مقالات پذیرفته‌نشده بازگردانده

نمی‌شوند. مقالات بیان‌کننده اندیشه نویسندگان هستند و

الزاماً منعکس‌کننده نظریات یونسکو و سردبیر مجله

نیستند. زیرنویس عکسها و عنوان مقالات توسط

هیئت تحریریه تعیین می‌شود. مرزبندی نقشه‌های چاپ

شده در مجله نظر رسمی یونسکو و سازمان ملل نیست.

پیام یونسکو به صورت میکروفیلم و میکروفیش نیز منتشر

می‌شود. علاقه‌مندان با آدرسهای زیر مکاتبه کنند:

(1) Unesco, 7 Place de Fontenoy, 75700 Paris, (2) University Microfilms (Xerox), Ann Arbor, Michigan 48100, U.S.A.

می‌دانند باید از حقیقت، آزادی و عدالت نام برد.

همانا حقیقت است که در نظر آنان نفرت‌انگیزترین و

امکان‌ناپذیرترین مفاهیم جلوه می‌کند. آنان

«اسطوره» را جایگزین حقیقت می‌سازند. این واژه

در فرهنگ واژگان فکری آنان، همان نقش مهمی را

ایفا می‌کند که قهرمانی‌گری برعهده دارد.

انسان بی‌کیفیت

در اینجا نیز آشکارا با حضور یک ذهن تباه و یک

ادبیات ارزش‌باخته روبه‌رو هستیم. منافع حیاتی

وجود دارند که در برابر آنها الزامات ذهن ناب باید

از حرکت باز ایستند. حقیقت به عرصه امر مطلق

تعلق دارد، اما زندگی این چنین نیست و به عرصه

گذشت و آسانگیری متعلق است. زندگی به حقیقتی

خدمت‌گزار و بهره‌بخش نیاز دارد. بسیار خوب! اما

برای نوع انسانی که من از آن سخن می‌گویم، امور

زیر اختصاص یافته است: پذیرش دروغ در مقام

یگانه قدرت زاینده زندگی و یگانه نیروی قادر

به‌ساختن تاریخ، برکشیدن این نظام به فلسفه،

به‌نحوی که دیگر شناسایی تفاوت میان حقیقت و

دروغ ناممکن باشد، برقراری نوعی مصلحت‌اندیشی

ننگین در اروپا که حتی ذهن و روح را نیز برای

کسب سود، انکار می‌کند و بی‌هیچ دغدغه‌ای

به‌جنایت می‌پردازد، یا جنایت را هنگامی که در

خدمت جانشینهای مطلقش قرار می‌گیرد، تأیید

می‌کند، مصلحت‌اندیشی که نه فقط در برابر مفهوم

دروغ ذره‌ای پساپس نمی‌نهد، بلکه هنگامی که

سودمندی این مفهوم بر وفق مرادش است به‌همان

اندازه حقیقت، برایش ارزش دارد. من تا بدانجا

پیش نمی‌روم که ادعا کنم «انسان مدرن» همین است

و بس. اما چنین آدمی یک نوع فراگیر است و

حضور انبوه دارد و هنگامی که می‌گویم او گرایش

زمانه خود را تحسین می‌کند، چیزی فراتر از اعتقاد

وی را بیان نمی‌کنم، همان اعتقادی که به او نیروی

حیرت‌آوری می‌بخشد و به یاری همین نیرو برای

رویارویی و چیرگی بر دنیایی آماده می‌شود که

دغدغه‌های اخلاقیش آن را از دفاع کارساز در برابر

چنین آدمیانی باز می‌دارد.

نتیجه‌ای که این ستیزه به آن می‌انجامد سراپا

روشن و مسلم است: جنگ، فاجعه بی‌حد، ویرانی

تمدن. من یقین راسخ یافته‌ام که یگانه پیامد ممکن

فلسفه پویای این نوع انسان، همین است و بس.

به‌همین سبب وظیفه خود دانستم که از وی و تهدید

هولناکی که از وجودش برمی‌خیزد، سخن بگویم.

■

دریغا که دانش راستین، گاهی هراسان و گاهی با

هواداری شرمگینانه، فقط با ترس و لرز جرأت بیان

اعتراضی خفیف را پیدا می‌کند. در اندک زمانی این

«متفکران» همه‌جا توانایی تحقق وقیحانه

«اندیشه‌های» خود را خواهند یافت و آنها را با قلمی

از خون و خشونت بر صفحات تاریخ ثبت خواهند

کرد. چنین تاریخ خون‌آلودی برازنده آنان خواهد

بود.

فلسفه خشونت و دروغ

اما آیا از دیدگاه مسیحی، در این طغیان پیروزمندانه

کوته‌فکران، این نابودی دانش و فرهنگ و عقل و

تمدن که سلیقه و نظر افراد حقیر، مباشران و

خلاف‌کاران جایگزین آنها می‌شود، چیزی

تکان‌دهنده وجود ندارد؟ به گمان من چنین

مقایسه‌هایی را باید با سنجیدگی تمام انجام داد. میان

انقلاب مسیحی و انقلاب توده‌ها، تفاوت‌های سرشتی،

تفاوت‌هایی در احساسات نیک‌خواهانه و

انساندوستانه وجود دارد که اگر بخواهم به زبان ساده

سخن گفته باشم، باید بگویم که همین تفاوتها ما را از

تحقیق‌ها و مقایسه‌های نادرست، سخت برحذر

می‌دارند.

شاید در پاسخ به من گفته شود که جنبش مدرن،

خصیلتی قهرمانانه دارد، حال آنکه انقلاب مسیحی و

انقلاب فرانسه خصیلتی دیگر دوست و انسانگرا

داشته‌اند. اما عشق و ستایشی که من نسبت به وجود

قهرمانی‌گری در این تظاهرات عظیم روحانی در

وجود خود احساس می‌کنم، هر اندازه گسترده باشد،

قادر نیستم قهرمانی‌گری افراد حقیر را باور کنم.

دنیای آنان قهرمانانه نیست. دنیایی است پر از

خیالپردازی و تشنه احساسات و به رمان پلیسی

می‌ماند. به حال و هوای کتابهای دوپولی و فیلمهای

احساساتی بسیار شبیه است اما ذره‌ای قهرمانی‌گری

ندارد.

در قهرمانانه خواندن روشهای جدید جنایت و

کشتارهایی که در عرصه سیاست پیگیری می‌شوند و

آفریده‌های تعصبی فرودست‌اند، جای تردید بسیار

است. برای اینکه بتوان معنای خود قهرمانی‌گری را

دریافت، باید در یک سطح اخلاقی قرار گرفت که

بسیار بالاتر از سطح فلسفه‌ای باشد که خشونت و

دروغ را اصول اساسی حیات می‌داند. این فلسفه

استوار بر خشونت و دروغ، در واقع فلسفه

خرده‌بورژواهایی است که به خشم‌اندیشی گرفتار

آمده‌اند. آنان به غیر از خشونت، دیگر جز به دروغ

باور ندارند، و شگفتا که باور آنان به دروغ، از

باورشان به خشونت نیز بسیار پرشورتر است.

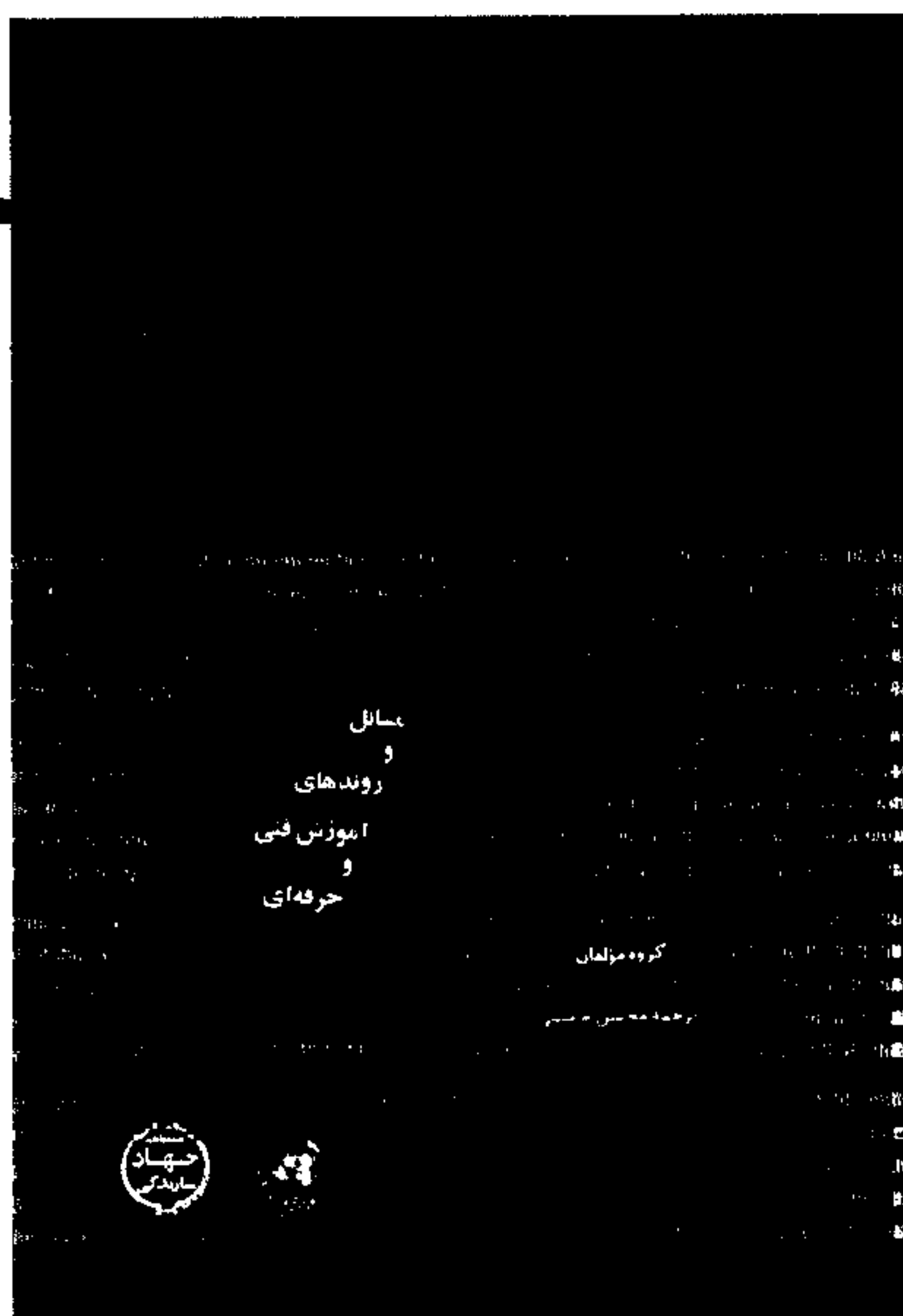
ازجمله مفهومی‌های اروپایی که این خرده‌بورژواها

در پی عروج خود، آنها را برای همیشه از میان رفته

مرکز انتشارات یونسکو

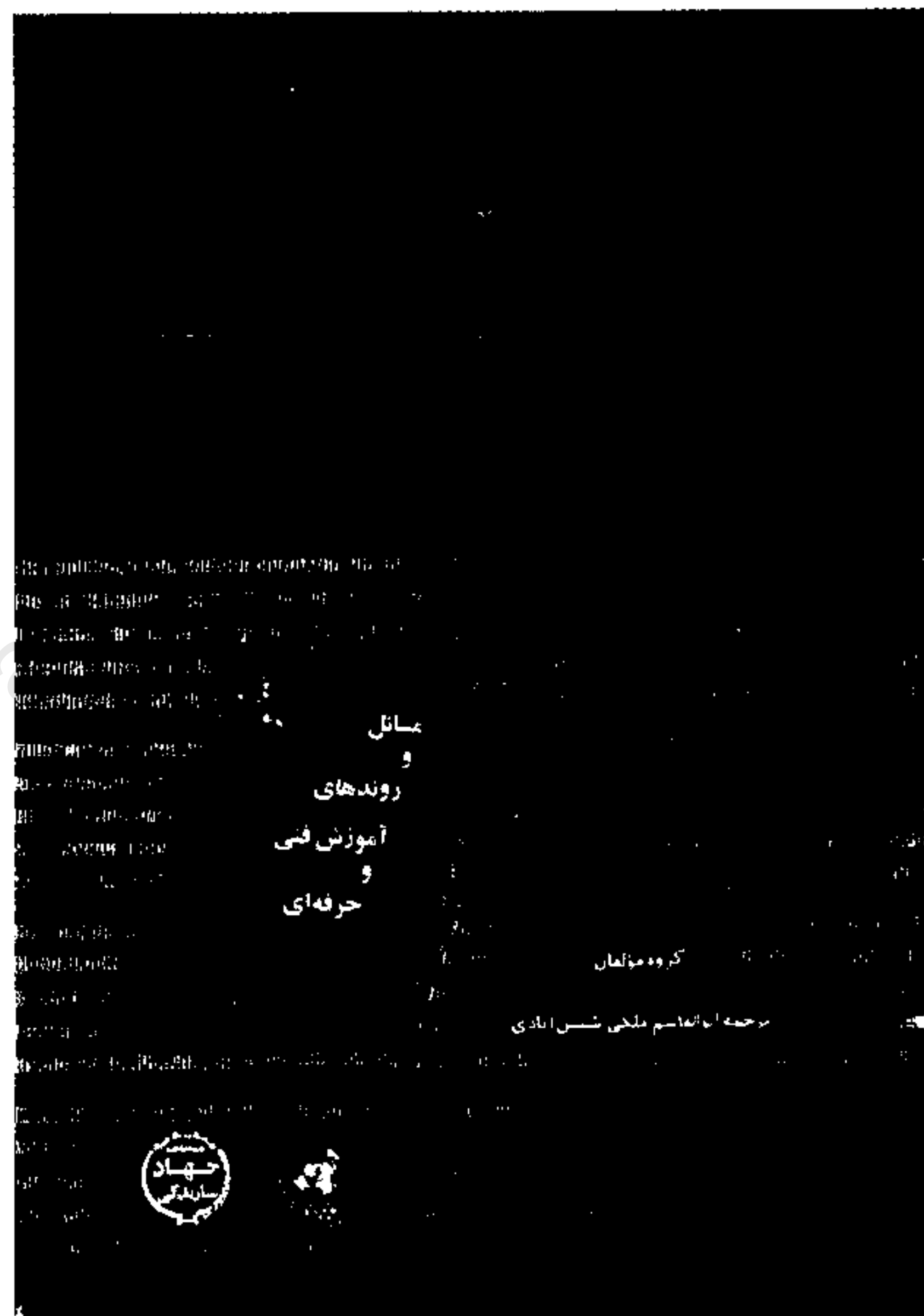
و دفتر مراکز آموزش عالی وزارت جهاد سازندگی

از مجموعه
مسائل و روندهای آموزش فنی و حرفه‌ای
به‌تازگی دو کتاب زیر را منتشر کرده‌اند:



مدیریت آموزش فنی و حرفه‌ای

یک پژوهش تطبیقی از یونسکو، ترجمه محسن حکیمی
چاپ اول، ۱۵۲ صفحه، بها ۲۵۰۰ ریال



روندها و توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای

از گروه مؤلفان یونسکو، ترجمه ابوالفضل ملکی شمس‌آبادی
چاپ اول، ۷۲ صفحه، بها ۱۵۰۰ ریال



بخش و فروش، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران

تهران، خیابان طالقانی، بین فرصت و مفتاح، شماره ۳۷۱، تلفن: ۸۸۴۴۲۸۳، ۸۸۴۰۵۴۴
این کتابها علاوه بر مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در کتابفروشیهای معتبر نیز عرضه می‌شود.